

فهرست

■ پایه دهم

- درس اول (مرور قواعد سال‌های هفتم تا نهم) ۱۰
درس دوم (الأعداد من الواحد إلى المِئَة) ۵۳
درس‌های سوم و چهارم (أشكال الأفعال (۱) و (۲)) ۷۱
درس پنجم (الجملة الفعلية و الجملة الاسمية) ۹۷
درس ششم (الفعل المجهول) ۱۱۳
درس هفتم (الجزء و المجرور و نون الوقاية) ۱۲۶
درس هشتم (اسم الفاعل و اسم المفعول و اسم المبالغة) ۱۳۶

■ پایه یازدهم

- درس اول (اسم التفضيل و اسم المكان) ۱۵۲
درس دوم (أسلوب الشرط و أدواته) ۱۶۱
درس سوم (المعرفة و التكررة) ۱۷۱
درس چهارم (الجملة نعت التكررة) ۱۷۷
درس پنجم (ترجمة الفعل المضارع (۱)) ۱۸۴
درس ششم (ترجمة الفعل المضارع (۲)) ۱۹۱
درس هفتم (معاني الأفعال الناقضة) ۲۰۰

■ پایه دوازدهم

- درس اول (معاني الحروف المشبهة بالفعل و لا التافية للجنس) ۲۱۰
درس دوم (الحال) ۲۲۲
درس سوم (الإسثناء و أسلوب الحصر) ۲۳۲
درس چهارم (المفعول المطلق) ۲۳۹

■ ضmannم

- الإعراب و التحليل الصرفي ۲۴۹
صَبط حركات الكلمات ۲۶۱

اشکال الأفعال (۱) و (۲)

مباحث پیش‌نیاز: (۱) صرف کردن فعل‌ها (۲) وزن کردن فعل‌ها

تا حالا دقت کردین که به فعل‌هایی فیلی شبیه به هم هستن ولی معنایشون کمی متفاوته؟! مثلاً «فَرَجَ، بیرون رفت»، «أَفْرَجَ، بیرون آورد»، «تَفَرَّجَ، دانش آموخته شد» و ... در همه این فعل‌ها، سه حرف «فَرَجَ» ریشه و هروف اصلی فعل مسبب میشه اما معنای اون‌ها متفاوته (پرا ۶۱) دلیل اصلی اینه که ما در زبان فوق شیرین عربی می‌تونیم با به ریشه سه‌حرفی، بازی کنیم و اون رو در قالب‌های مختلفی بپریم. به این مبحث، اشکال یعنی شکل‌های مختلف فعل‌ها می‌گن!

درس‌های ۳ و ۴ سال دهم در مورد فعل‌های جدیدی در زبان عربی صحبت می‌کند که بارها آن‌ها را دیده‌ایم ولی قواعدش را نمی‌دانستیم. فعل‌هایی که به آن‌ها «گروه دوم» یا «ثلاثی مزید» گفته می‌شود.

نکته

دقت کنید که تمام نکات این دو درس بر مبنای صیغۀ «هُوَ» در فعل ماضی یعنی سوم‌شخص مفرد مذکر است!

۱- فعل‌های گروه اول (ثلاثی مجزّد)

اگر از ما بخواهند معادل عربی فعل‌های «رفت، خورد، نوشت، نشست و ...» را بیان می‌کنیم فوراً می‌گوییم: «ذَهَبَ، أَكَلَ، كَتَبَ، جَلَسَ و ...». دقت کنید که تمامی این فعل‌ها سه‌حرفی هستند که همان ریشه آن است. به عبارت دیگر، برای بیان فعلی در صیغۀ «هُوَ» یعنی سوم‌شخص مفرد مذکر ماضی، از سه حرف که همان ریشه فعل است، استفاده کرده‌ایم. دقیقاً مانند: «خَرَجَ: خارج شد»، «دَخَلَ: داخل شد»، «سَمِعَ: شنید» و ... این فعل‌ها را «گروه اول» یا «ثلاثی مجزّد» می‌نامند.

«ثلاثی» یعنی دارای ریشه سه‌حرفی و «مجزّد» یعنی تنها و بدون حروف زائد! گاهی اوقات در تست‌ها این فعل‌ها را با نام «مَجزّد ثلاثی» می‌آورند.

” نکته “

اگر فعلی مضارع باشد، صیغه «هُوَ» آن عمدتاً سه حرفی نخواهد بود. ملاک ما فقط و فقط صیغه «هُوَ» در ماضی است!!

۲- فعل‌های گروه دوم (ثلاثی مزید)

در زبان عربی فعل‌هایی وجود دارد که در همین صیغه (هُوَ) ماضی به کار می‌روند، اما بیش از سه حرف دارند؛ مانند: «أَنْزَلَ: نازل کرد»، «إِسْتَعْلَلَ: کار کرد»، «انْفَتَحَ: باز شد» و ... این فعل‌ها در ۸ مدل و الگو به کار می‌روند که نیمی از آن‌ها را در درس ۳ و مابقی را در درس ۴ با هم یاد می‌گیریم. گاهی اوقات در تست‌ها این فعل‌ها را با نام «مزید ثلاثی» می‌آورند.

” نکته “

هر یک از این فعل‌ها را علاوه بر نام باب و الگوی آن، با تعداد حروف زائد نیز بشناسید. این فعل‌ها سه نوع هستند یا یک حرف زائد دارند که به آن‌ها «بِزِيَادَةِ حَرْفٍ وَاحِدٍ» می‌گویند. یا دو حرف زائد دارند که به آن‌ها «بِزِيَادَةِ حَرْفَيْنِ» می‌گویند و یا سه حرف زائد دارند که به آن‌ها «بِزِيَادَةِ ثَلَاثَةِ أَحْرَافٍ» می‌گویند.

و نکته بسیار مهم دلیل به وجود آمدن افعال گروه دوم است! این فعل‌ها، سبب می‌شوند که ما بتوانیم معانی جدیدی بسازیم. مثلاً «نَزَلَ» (گروه اول) به معنای «پایین آمد، فرود آمد» است اما «أَنْزَلَ» (گروه دوم) به معنای «پایین آورد، فرود آورد» است و یا «ذَهَبَ» (گروه اول) به معنای «رفت» و «أَذْهَبَ» (گروه دوم) به معنای «از بین برد» می‌باشد. اصلاً تا به حال به تفاوت ترجمه سه فعل زیر دقت کرده‌اید: «عَلِمَ: دانست»، «عَلَّمَ: یاد داد» و «تَعَلَّمَ: یاد گرفت».

تمرین

عَيْنَ الْمَجْرَدِ الثَّلَاثِي:

- ۱) حَاوَلَ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ!
- ۲) يَخْدُتُ إِعْصَا شَدِيدٌ فَيَسْحَبُ الْأَسْمَاكَ إِلَى السَّمَاءِ!

پاسخ ۱ در گزینه (۱) «حَاوَلَ» فعل ماضی بدون ضمیر (صیغه هُو) است که چهار حرف دارد، یعنی به جز سه حرف اصلی «ح و ل»، یک حرف زائد «ا» نیز دارد، پس ثلاثی مزید است. در حالی که در گزینه (۲) «يَخْدُتُ» و «يَسْحَبُ» مضارع‌اند و اگر «ی» مضارع را برداریم ماضی آن‌ها در صیغه «هُوَ» یعنی «خَدَّتْ» و «سَحَبَ» به دست می‌آید که دقیقاً همان سه حرف اصلی فعل را دارد، پس ثلاثی مجرد هستند.

نکته

در آزمون سراسری ۹۸، یک تست با عنوان «ضبط حرکات الكلمات» طرح شد که عمدتاً به دنبال یافتن خطا در حرکت‌گذاری روی حروف فعل‌های ثلاثی مزید یا اسم فاعل و اسم مفعول و... بود. پس حرکت این فعل‌ها را به طور کامل حفظ کنید.

پیش از شروع آشنایی با الگوهای هشت‌گانه گروه دوم (ثلاثی مزید) لازم است بدانید که فعل‌های گروه دوم کاملاً مانند فعل‌های گروه اول صرف می‌شوند؛ مثلاً: «هُوَ أَنْزَلَ»، «أَنْتُمْ أَنْزَلْتُمْ»، «نَحْنُ أَنْزَلْنَا» و ... اکنون با فعل‌هایی که صیغه «هُوَ» (سوم شخص مفرد مذكر) ماضی آن‌ها بیش از سه حرف دارد، آشنا می‌شویم:

۱- الگو (باب) اِسْتِفْعَال

در این الگو، صیغه «هُوَ» فعل ماضی همیشه بر وزن «اِسْتَفْعَلَ»، همین صیغه در فعل مضارع بر وزن «يَسْتَفْعِلُ» و فعل امر برای صیغه دوم شخص مفرد مذكر (أَنْتَ) بر وزن «اِسْتَفْعِلْ» و مصدر فعل بر وزن «اِسْتِفْعَال» می‌باشد.

۱- گزینه «۲»

مصدر چیه؟

یک نوع اسم که بیانگر انجام کار و یا داشتن حالتی بدون زمان است.

«**مثال**» ریشه «رجع» ← ماضی: اِسْتَرْجَع (پس گرفت)، مضارع: يَسْتَرْجِع (پس می‌گیرد)، امر: اِسْتَرْجِع (پس بگیر)، مصدر: اِسْتِرْجَاع (پس گرفتن).

ریشه «غفر» ← ماضی: اِسْتَعْفَرَ (آمرزش خواست)، مضارع: يَسْتَعْفِرُ (آمرزش می‌خواهد)، امر: اِسْتَعْفِرْ (آمرزش بخواه)، مصدر: اِسْتِغْفَار (آمرزش خواستن).

به تغییر معانی دقت کنید: «رَجَع: بازگشت»، «اِسْتَرْجَع: پس گرفت»، «عَفَرَ: آمرزید»، «اِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست»، «حَرَج: بیرون رفت»، «اِسْتَحْرَج: استخراج کرد».

این فعل‌ها در ماضی، مضارع و امر دقیقاً مانند فعل‌های گروه اول صرف می‌شوند:

«**مثال**» ماضی: اَنَا اِسْتَرْجَعْتُ، اَنْتَ اِسْتَرْجَعْتَ، اَنْتِ اِسْتَرْجَعْتِ، هُوَ اِسْتَرْجَع ... اَنْتَنْ اِسْتَرْجَعْتَنْ، هُمْ اِسْتَرْجَعُوا، هُنَّ اِسْتَرْجَعْنَ.

مضارع: اَنَا اَسْتَرْجِعُ، اَنْتَ تَسْتَرْجِعُ، اَنْتِ تَسْتَرْجِعِينَ، هُوَ يَسْتَرْجِعُ ... اَنْتَنْ تَسْتَرْجِعَنَّ، هُمْ يَسْتَرْجِعُونَ، هُنَّ يَسْتَرْجِعْنَ.

امر: اَنْتَ اِسْتَرْجِعْ، اَنْتُمْ اِسْتَرْجِعُوا ...

پس هر فعلی صیغه «هُوَ» ماضی آن بر وزن «اِسْتَفْعَل» باشد، مضارع آن بر وزن «يَسْتَفْعِلُ»، امر آن بر وزن «اِسْتَفْعِلْ» و مصدر آن نیز بر وزن «اِسْتِفعال» است.

نکته

همان‌گونه که می‌بینید این الگو در صیغه «هُوَ» ماضی سه حرف زائد (غیر ریشه) دارد: «ا، س، ت»

به همین دلیل در تست‌ها به آن «بزیادة ثلاثة أَحْرَفٍ: با زیادی سه حرف» می‌گویند. از این باب معمولاً (نه همیشه) برای طلب و درخواست استفاده می‌شود. مثلاً «عَفَرَ: آمرزید» وقتی به این باب می‌رود «إِسْتَفَرَ: آمرزش خواست، طلب آمرزش کرد».

تمرین ۱

عَيِّنِ الْمَزِيدَ الثَّلَاثِيَّ بِيَزَادَةَ ثَلَاثَةِ أَحْرَفٍ:

(۱) حَيَّرْتُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ النَّاسِ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً.

(۲) اسْتَعْمَلَ النَّاسُ الْحَيَوَانَاتِ لِلزُّكُوبِ وَ الطَّعَامِ.

پاسخ ۱ در صورت تست، خواسته که در کدام گزینه، فعل ثلاثی مزید با سه حرف زائد آمده است. فعل «حَيَّرْتُ» در صیغه «هُوَ» ماضی به صورت «حَيَّرَ» است که فقط یک حرف زائد دارد (تشدید «ی») اما فعل «اسْتَعْمَلَ» سه حرف زائد دارد (ا، س، ت). تنها «بابی» که دارای سه حرف زائد است، باب استفعال می‌باشد.

۲- الگو (باب) اِفْتِعَال

در این الگو وزن صیغه «هُوَ» ماضی «اِفْتَعَلَ»، وزن مضارع «يَفْتَعِلُ»، امر «اِفْتَعِلْ» و مصدر «اِفْتِعَال» است.

و مثال ۱ ریشه «شغل» ← ماضی: اِسْتَعَلَ (کار کرد)، مضارع: يَسْتَعِلُّ (کار می‌کند)، امر: اِسْتَعِلْ (کار کن)، مصدر: اِسْتِعَال (کار کردن)

ریشه «منع» ← ماضی: اِمْتَنَعَ (خودداری کرد)، مضارع: يَمْتَنِعُ (خودداری می‌کند)، امر: اِمْتَنِعْ (خودداری کن)، مصدر: اِمْتِنَاع (خودداری کردن)

ریشه «عذر» ← ماضی: اِعْتَذَرَ (عذر خواست)، مضارع: يَعْتَذِرُ (عذر می‌خواهد)، امر: اِعْتَذِرْ (عذر بخواه)، مصدر: اِعْتِذَار (عذر خواستن)

صرف این فعل‌ها نیز دقیقاً مانند فعل‌های گروه اول است.
 ماضی: اَنَا اِسْتَعَلْتُ، أَنْتَ اِسْتَعَلْتَ، أَنْتِ اِسْتَعَلْتِ، هُوَ اِسْتَعَلَ ... أَنْتُمْ اِسْتَعَلْتُمْ، هُمْ اِسْتَعَلُوا، هُمَا اِسْتَعَلَا.
 مضارع: اَنَا اَسْتَعِلُّ، أَنْتَ تَسْتَعِلُّ، أَنْتِ تَسْتَعِلِينَ، هُوَ يَسْتَعِِلُّ ... أَنْتُمْ تَسْتَعِلْنَ، هُمْ يَسْتَعِلُونَ، هُمَا يَسْتَعِلَانِ.
 امر: أَنْتِ اِسْتَعِلِي، أَنْتُمْ اِسْتَعِلُوا ...

” نکته ”

اگر ریشه فعلی با «س» شروع شود و به باب (الگو) اِفْتَعَال برود، بسیار شبیه به باب اِسْتِفْعَال می‌شود؛ مانند ریشه «سمع»: ماضی «اِسْتَمَعَ»، مضارع «يَسْتَمِعُ»، امر «اِسْتَمِعْ» و مصدر «اِسْتَمَاع».

برای تشخیص درستِ باب و الگوی فعل کافی است به جای حروف اصلی (ریشه فعل) به ترتیب سه حرف «ف، ع، ل» قرار دهیم و مابقی حروف را نیز بنویسیم. وزن فعل ساخته می‌شود.

” نکته ”

۱ البته دقت کنید که فعل‌های باب اِسْتِفْعَال همیشه از فعل‌های باب اِفْتَعَال یک حرف بیشتر دارند.

” مثال ”

«اِسْتَمَعَ» ← ریشه «سمع» ← وزن «اِفْتَعَلَ» ← باب اِفْتَعَال
 «اِسْتَخْرَجَ» ← ریشه «خرج» ← وزن «اِسْتَفْعَلَ» ← باب اِسْتِفْعَال
 ۲ این الگو در صیغه «هُوَ» ماضی دارای دو حرف زائد است: «ا، ت». به همین دلیل به آن «بزیادة حَرْفَيْنِ: با زیادی دو حرف» می‌گویند.

این باب زمانی به کار می‌رود که بخواهند اثرگذاشتن یک فعل را نشان دهند. مثلاً «نَفَعَ: سود رساند» وقتی به باب «اِفْتَعَال» برود و به صورت

«اِنْتَفَع» بیاید معنای «سود برد» می‌دهد. یعنی اثرپذیری از «سود بردن» را نشان می‌دهد یا مثلاً «اَشْعَلُ: آتش روشن کرد» است و وقتی به باب «اِفْتِعال» برود «اِشْتَعَلَ» به معنای «آتش گرفت، روشن شد» می‌آید یعنی اثر کار «آتش گرفتن»، «روشن شدن» را پذیرفته است.

تمرین

عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ بَابِ الْفِعْلِ:

(۱) أَنْتُمْ تَتَعَلَّمُونَ الْقُرْآنَ فِي الْمَدْرَسَةِ جَيِّدًا: اِسْتِفعال

(۲) اِسْتَعْلَوْا فِي الْمَرْعَةِ صَبَاحًا أَيُّهَا الْمُرَاعُونَ!: اِفْتِعال

پاسخ ۱ «تَتَعَلَّمُونَ» در گزینه (۱) از باب «تَفَعَّل» است، چرا که پس از حذف

«وَن» و تبدیل «ت» به «ی» به صورت «يَتَعَلَّم» بر وزن «يَتَفَعَّل» درمی‌آید.

«اِسْتَعْلَوْا» در گزینه (۲) فعل امر باب «اِفْتِعال» است، چون شکل ماضی آن

در صیغه «هُوَ» به صورت «اِشْتَعَلَ» بر وزن «اِفْتَعَلَ» می‌باشد.

۳- الگو (باب) اِنْفِعال

در این الگو برای صیغه «هُوَ» (سوم شخص مفرد مذکر) در ماضی از وزن «اِنْفَعَلَ»، در مضارع از وزن «يَنْفَعِلُ»، در امر از وزن «اِنْفَعِلْ» و برای مصدر از وزن «اِنْفِعال» استفاده می‌کنیم.

و مثال

ریشه «فتح» ← ماضی: اِنْفَتَحَ (باز شد)، مضارع: يَنْفَتِحُ (باز می‌شود)، امر: اِنْفَتِحْ (باز شو)، مصدر: اِنْفِتاح (باز شدن)

ریشه «قطع» ← ماضی: اِنْقَطَعَ (قطع شد)، مضارع: يَنْقَطِعُ (قطع می‌شود)، امر: اِنْقَطِعْ (قطع شو)، مصدر: اِنْقِطاع (قطع شدن)

ریشه «قلب» ← ماضی: اِنْقَلَبَ (تغییر کرد)، مضارع: يَنْقَلِبُ (تغییر

می‌کند)، امر: اِنْقَلَبْ (تغییر کن)، مصدر: اِنْقَلَاب (تغییر کردن)
این فعل‌ها نیز در ماضی، مضارع و امر کاملاً مانند فعل‌های گروه اول
صرف می‌شوند:

وومثال ماضی: اَنَا اِنْقَطَعْتُ، اَنْتَ اِنْقَطَعْتَ، اَنْتِ اِنْقَطَعْتِ، هُوَ اِنْقَطَعَ ... اَنْتُنَّ

اِنْقَطَعْتُنَّ، هُمْ اِنْقَطَعُوا، هُمَا اِنْقَطَعَا

مضارع: اَنَا اَنْقَطِعُ، اَنْتَ تَنْقِطِعُ، اَنْتِ تَنْقِطِيعِنَ، هُوَ يَنْقِطِعُ ... اَنْتُنَّ تَنْقِطِيعُنَّ، هُمْ

يَنْقِطِيعُونَ، هُمَا يَنْقِطِيعَانِ

امر: اَنْتَ اِنْقِطِعْ، اَنْتِ اِنْقِطِعي، اَنْتُمَا اِنْقِطِعا، اَنْتُمْ اِنْقِطِيعُوا ...

نکته

۱ تعداد حروف زائد این الگو در صیغه «هُوَ» ماضی، دو حرف است
«ا، ت». به همین دلیل در تست‌ها با نام «بِزِيَادَةِ حَرْفَيْنِ» با زیادی دو
حرف می‌آید.

۲ در بسیاری از اوقات، با مشاهده فعل‌هایی از قبیل «اِنْتَصَرَ»، «اِنْتَقَلَ»،
«اِنْتَسَرَ»، «اِنْتَبَهَ» و ... شک می‌کنید که الگوی فعل «اِنْفَعَال» است یا
«اِفْتَعَال». دقت کنید که تقریباً در تمامی موارد مشکوک در فعل‌هایی
که با «اِنْت» شروع می‌شوند، الگوی موردنظر باب «اِفْتَعَال» است. البته
اگر ریشه فعل را بشناسید که بسیار سریع و با قراردادن سه حرف «ف،
ع، ل» به جای ریشه فعل می‌توانید باب آن فعل را شناسایی کنید.

در فعل‌های فوق، سه حرف اصلی به ترتیب «ن ص ر»، «ن ق ل»، «ن ش ر»
و «ن ب ه» است، پس با گذاشتن سه حرف «ف ع ل» به جای آن‌ها وزن
«اِفْتَعَلَ» به دست می‌آید.

تمرین

عَيْنُ الْفِعْلِ الْمَزِيدِ الثَّلَاثِي مِنْ بَابِ اِنْفِعَالٍ:

(۱) التَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا اِنْتَبَهُوا! (۲) اِفْنِ مَاتَ اَوْ قُتِلَ اِنْقَلَبْتُمْ!

پاسخ ۱ «اِنْتَبَهُوا» از سه حرف اصلی «نبه» تشکیل شده است پس وزن آن «اِفْتَعَلُوا» و از باب «اِفْتَعَال» است. اما «اِنْقَلَبْتُمْ» از سه حرف اصلی «قلب» تشکیل شده است پس وزن آن «اِنْفَعَلْتُمْ» می‌باشد و از باب «اِنْفِعَال» است.

۴- الگو (باب) تَفَعَّلُ

در این الگو نیز ملاک ما همان صیغه سوم شخص مفرد مذکر یعنی ضمیر «هُوَ» است. وزن فعل ماضی «تَفَعَّلَ»، وزن فعل مضارع «يَتَفَعَّلُ»، وزن فعل امر «تَفَعَّلْ» و وزن مصدر نیز «تَفَعَّلُ» می‌باشد.

و مثال

ریشه «خرج» ← ماضی: تَخَرَّجَ (دانش آموخته شد)، مضارع: يَتَخَرَّجُ (دانش آموخته می‌شود)، امر: تَخَرَّجْ (دانش آموخته شو)، مصدر: تَخَرَّجَ (دانش آموخته شدن)

ریشه «نزل» ← ماضی: تَنَزَّلَ (سقوط کرد)، مضارع: يَتَنَزَّلُ (سقوط می‌کند)، امر: تَنَزَّلْ (سقوط کن)، مصدر: تَنَزَّلَ (سقوط کردن)
ریشه «علم» ← ماضی: تَعَلَّمَ (یاد گرفت)، مضارع: يَتَعَلَّمُ (یاد می‌گیرد)، امر: تَعَلَّمْ (یاد بگیر)، مصدر: تَعَلَّمَ (یاد گرفتن)

این فعل‌ها نیز مانند فعل‌های گروه اول صرف می‌شوند و هیچ تفاوتی با آن‌ها در صرف شدن ندارند:

و مثال ماضی: اَنَا تَخَرَّجْتُ، أَنْتَ تَخَرَّجْتَ، أَنْتِ تَخَرَّجْتِ، هُوَ تَخَرَّجَ ... أَنْتَنْ تَخَرَّجْتَنْ، هُمْ تَخَرَّجُوا، هُنَّ تَخَرَّجْنَ

مضارع: اَنَا أَنْخَرَجُ، أَنْتَ تَنْخَرِجُ، أَنْتِ تَنْخَرِجِينَ، هُوَ يَنْخَرِجُ ... أَنْتُنَّ تَنْخَرِجْنَ، هُمْ يَنْخَرِجُونَ، هُنَّ يَنْخَرِجْنَ
 امر: أَنْتَ تَخْرُجُ، أَنْتِ تَخْرُجِي، أَنْتُمَا تَخْرُجَانِ، أَنْتُنَّ تَخْرُجْنَ

نکته

۱ تعداد حروف زائد در صیغه «هُوَ» این الگو نیز دوتا است: «ت، ت» تکرار (حرف دوم ریشه) عین الفعل»، پس به این باب هم در تست‌ها، «بزیاده حَرْفَيْنِ: با زیادی دو حرف» می‌گویند.

۲ دقت کنید که در تمامی فعل‌های گروه دوم، اگر به حرکات روی کلمات دقت نکنیم فعل‌های ماضی و امر و گاهی مصدر بسیار شبیه به هم می‌شوند:

مثال ۴۴: اِسْتَعْفَرَ (ماضی): آمرزش خواست - اِسْتَعْفِرُ (امر): آمرزش بخواه
 تَخْرَجَ (ماضی): دانش‌آموخته شد - تَخْرُجَ (امر): دانش‌آموخته شو -
 تَخْرُجَ (مصدر، اسم): دانش‌آموخته شدن

فعل‌های مضارع در این باب، گاهی دچار بحران روحی شده و حرف اولشان حذف می‌شود. به عبارت دیگر، در ابتدای مضارع این باب دو حرف «ت» داریم مثل «تَتَقَدَّمُ، تَتَدَكَّرُ و ...» که گاهی حرف «ت» اول حذف شده و به صورت «تَقَدَّمُ، تَدَكَّرُ و ...» می‌آید.

بارزترین مثال این نکته، آیه شریفه ﴿تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ﴾ در سوره قَدَر است. «تَنْزَلُ» در اصل «تَنْزَلُ» بوده است! هم‌چنین در آیه شریفه قرآن می‌خوانیم «لَا تَفْرَقُوا» که در اصل «لَا تَنْفَرَقُوا» است که به خاطر «لا»ی نهی، «ن» از آخر حذف شده است.

نکته

اگر بخواهیم باب و الگوی فعلی را که در صیغه‌ای غیر از سوم شخص مفرد مذکر (هُوَ) است، بشناسیم، می‌بایست ابتدا آن را به صیغه «هُوَ» ببریم یعنی علائم آخر فعل را حذف کنیم و ابتدای فعل اگر از نوع مضارع است، «یـ» بگذاریم سپس وزن فعل را بسازیم، در پایان بررسی کنیم که این وزن را در کدام الگو (باب) دیده‌ایم.

مثال ۴۴ «تَخَرَّجْتُمْ» که در صیغه «أَنْتُمْ» (دوم شخص جمع مذکر) است، ابتدا به صیغه سوم شخص مفرد مذکر (هُوَ) می‌رود: تَخَرَّجَ، سپس وزن آن ساخته می‌شود: تَفَعَّلَ، در پایان الگوی آن استخراج می‌شود: «تَفَعَّلَ». البته اگر فعل مورد نظر، مضارع باشد کافی است باز هم آن را به صیغه «هُوَ» ببریم یعنی دو کار انجام دهیم؛ هم علامت‌های آخر فعل را حذف کنیم و هم ابتدای مضارع را «یـ» بگذاریم! سپس وزن فعل را بگیریم و ببینیم در کدام یک از باب‌ها وجود دارد.

مثال ۴۵ «تَتَخَرَّجُونَ»؛ اولاً «تـ» ابتدای فعل را تبدیل به «یـ» می‌کنیم و ثانیاً «وَنَ» آخر فعل را حذف می‌کنیم: «يَتَخَرَّجُ»: چون ریشه فعل «خرج» است وزن آن می‌شود «يَتَفَعَّلُ» پس از باب «تَفَعَّلَ» است.

تمرین

عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنْ حُرُوفِ الزَّائِدَةِ لِلْأَفْعَالِ:

- ۱) ﴿قُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانظُرُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ﴾: زیاده حَرْفَيْنِ.
- ۲) ﴿فَاسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ﴾: زیاده حرفِ واحدٍ

پاسخ ۱ در گزینه (۱) «انظُرُوا» فعل امر از سه حرف اصلی «ن ظ ر» است که وزن آن «افْتَعِلُوا» شده و از باب «افْتَعَال» است. این باب دارای دو حرف

زائد (بزیاده حَرْفین) است. در «انْتَظِرْ»؛ حروف «ا، ت» زائدند. در گزینه (۲) «اسْتَغْفِرُوا» فعل ماضی است که سه حرف اصلی آن «غفر» است و در صیغه «هُوَ» به شکل «اسْتَغْفَرَ» بوده و سه حرف زائد «ا، س، ت» دارد. پس بزیاده ثلاثة أَحْرَف است!

۵- الگو (باب) تَفَاعُل

در این الگو، فعل ماضی بر وزن «تَفَاعَلَ»، فعل مضارع بر وزن «يَتَفَاعَلُ» و فعل امر بر وزن «تَفَاعَلْ» و مصدر نیز بر وزن «تَفَاعُلْ» می‌آید.

و مثال تَشَابَهَ (همانند شد)، يَتَشَابَهُ (همانند می‌شود)، تَشَابَهُ (همانند شو)، تَشَابَهُ (همانندشدن)

دقت کنید که این فعل‌ها دقیقاً مانند فعل‌های گروه اول (ثلاثی مجرد) صرف می‌شوند. به عنوان مثال «تَشَابَهُ» در صیغه‌های دیگر به صورت زیر درمی‌آید:

هُم تَشَابَهُوا، أَنْت تَشَابَيْهَتْ، أَنَا تَشَابَيْهْتُ، نَحْنُ تَشَابَيْهْنَا، أَنْتُمْ تَشَابَيْهْتُمْ، هُنَّ تَشَابَيْهْنَ و ...

نکته

۱ ماضی این باب با حرف «ت» شروع می‌شود که در تمام صیغه‌ها حضور دارد. مراقب باشید که این فعل ماضی را با فعل مضارع اشتباه نگیرید. بهترین نشانه، حرف (ضمیر) آخر فعل است که در ماضی به صورت «ا، و، ت، ب، ث، ثَمَا، ثَمَّ، ثَنَّ، نَ» می‌آید.

۲ این باب دارای دو حرف زائد (بزیاده حَرْفین اثْنین) است، چرا که صیغه سوم شخص مفرد مذكر (هُوَ) آن علاوه بر سه حرف اصلی دارای دو حرف زائد «ت، ا» است.

و مثال تعارف ← ریشه: ع، ر، ف، حروف زائد: ت، ا

۳ سیغۀ سوم‌شخص مفرد مذکر این فعل در ماضی، بسیار شبیه فعل امر و مصدر این باب است و باید دقت کنیم که آن‌ها را با یکدیگر اشتباه نگیریم. به حرکت حرف آخر و سایر حروف و هم‌چنین سایر کلمات و ضمائر جمله توجه کنید!

«مثال ۴» تَقَاعَدَ (بازنشسته شد)، تَقَاعَدَ (بازنشسته شو)، تَقَاعَدَ (بازنشسته شدن)

۴ در ترجمهٔ این باب معمولاً از عبارت «با یکدیگر، با همدیگر» استفاده می‌کنیم. «مثال ۴» تَشَابَهَ الرَّجُلَانِ (دو مرد با یکدیگر همانند شدند).

۵ این باب معمولاً فعل‌ها را به صورت بدون مفعول (ناگذر) درمی‌آورد؛ «مثال ۴» عَرَفَ: شناخت (متعدی) تعارف: آشنا شدند (لازم)

تمرین

عَيْنَ الْمَزِيدِ التَّلَاثِي مِنْ بَابِ «تَفَاعَلَ»:

۱) مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْعَطَّارِ إِنْ جَالَسْتَهُ نَفَعَكَ!

۲) تَوَاضَعُوا لِمَنْ تَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَ لِمَنْ تُعَلِّمُونَهُ!

پاسخ ۱ «تَوَاضَعُوا» فعل امر بر وزن «تَفَاعَلُوا» است، یعنی در حقیقت ماضی آن، «تَفَاعَلَ» و از باب «تَفَاعَلَ» بوده است.

۶- الگو (باب) تَفَعَّلَ

در این الگو، فعل ماضی در سیغۀ سوم‌شخص مفرد مذکر بر وزن «فَعَّلَ»، مضارع در این سیغۀ بر وزن «يَفَعَّلُ»، فعل امر بر وزن «فَعَّلْ» و مصدر نیز بر وزن «تَفَعَّلَ» می‌آید.

وومثال ۴۴ فَرَّخَ (شاد کرد)، يُفَرِّخُ (شاد می‌کند)، فَرَّخَ (شاد کن)، تَفْرِيحَ (شاد کردن)

نکته

۱ این افعال نیز مانند فعل‌های گروه اول صرف می‌شوند و هیچ تفاوتی با آن‌ها ندارند.

وومثال ۴۵ هُمْ فَرَّحُوا، أَنْتُمْ فَرَّحْتُمْ، نَحْنُ فَرَّحْنَا، أَنْتَ تُفَرِّحُ، أَنْتِ تُفَرِّحِينَ، أَنَا أُفَرِّخُ

۲ این باب دارای یک حرف زائد است (بزیادة حرف واحد) چرا که در صیغه سوم شخص مفرد مذکر علاوه بر سه حرف اصلی، یک حرف زائد «تکرار عین‌الفعال» دارد.

وومثال ۴۶ عَلَّمَ ← ریشه: ع، ل، م، حروف زائد: تکرار عین‌الفعال (ل)

۳ این باب معمولاً فعل را به صورت مفعول‌پذیر (گذرا، متعدی) درمی‌آورد.

وومثال ۴۷ نَزَلَ: پایین آمد. نَزَلْ: پایین آورد.

وودام ۴۸ در تست‌های کنکور معمولاً فعل‌های این باب را با فعل‌های

باب «تَفَعَّلَ» (که در درس قبل خواندیم) جابه‌جا می‌آورند و به چالش

می‌کشند. به دو فعل «عَلَّمَ» و «تَعَلَّمَ» دقت کنید. اولی از باب «تَفَعَّلَ» و

دومی از باب «تَفَعَّلَ» است. برای تشخیص علاوه بر شناسایی سه حرف

اصلی و وزن فعل یک راه دیگر هم داریم؛ آن هم این‌که هر فعلی ظاهر

ماضی و مضارعش کوتاه‌تر باشد، مصدر یا همان باب آن بلندتر است و

بالعکس. یعنی «فَعَّلَ» از «تَفَعَّلَ» کوتاه‌تر است؛ «يُفَعِّلُ» نیز از «يَتَفَعَّلُ»

کوتاه‌تر است، پس مصدر یا بابشان بلندتر است یعنی، «تَفَعَّلَ» از «تَفَعَّلَ»

بلندتر است!

تمرین

عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنِ الْمَزِيدِ الثَّلَاثِي مِنْ بَابِ تَفْعِيلٍ:

(۱) تَدَخَّلَ الْمُدِيرُ وَ نَصَحَنَا وَ نَدَّمْنَا عَلَى عَمَلِنَا الْقَبِيحِ!

(۲) الصِّيَافَةُ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ وَ عَلَى الصَّيْفِ أَنْ يَتَحَوَّلَ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ!

پاسخ ۱ ■ «نَدَمَ» فعل ماضی از ریشه «نَدَم» بر وزن «فَعَّلَ» و از باب تفعیل

است.

■ «نَصَحَ» فعل ماضی ثلاثی مجرد است.

■ «يَتَحَوَّلُ» از ریشه «حول» و بر وزن «يَتَفَعَّلُ» و از باب تَفَعَّلُ است.

۷- الگو (باب) مُفَاعَلَةٌ

در این الگو، فعل ماضی در صیغه سوم شخص مفرد مذکر بر وزن «فَاعَلَ»، فعل مضارع بر وزن «يُفَاعِلُ»، فعل امر بر وزن «فَاعِلْ» و مصدر بر وزن «مُفَاعَلَةٌ» می‌آید.

و مثال ۱ جالَسَ (همنشینی کرد)، يُجَالِسُ (همنشینی می‌کند). جالِسٌ

(همنشینی کن) مُجَالَسَةٌ «همنشینی کردن».

این فعل‌ها نیز مانند فعل‌های گروه اول صرف می‌شوند.

و مثال ۲ هُم جالَسُوا، أَنْتُمْ جالَسْتُمْ، نَحْنُ جالَسْنَا، أَنَا أُجالِسُ، أَنْتَ تُجالِسُ، أَنْتِ

تُجالِسِينَ، هِيَ تُجالِسُ، هُنَّ تُجالِسْنَ.

نکته

۱ ظاهر فعل ماضی و فعل امر در این باب بسیار به هم شبیه است.

برای تشخیص باید حرکت حرف آخر را بررسی کنیم.

و مثال ۳ کاتَبَ (نامه‌نگاری کرد)، کاتِبٌ (نامه‌نگاری کن)

۲ در ترجمه فعل‌های این باب، از کلمه «با، از» استفاده می‌شود.

۲۲ مثال: كَاتَبَ عَلِيٌّ صَدِيقَهُ: علی با دوستش نامه‌نگاری کرد.

۳ فعل‌های این باب نیز دارای یک حرف زائد در صیغه سوم شخص مذکر (هُوَ) هستند.

۲۳ مثال: جَالَسَ: حروف اصلی (ج، ل، س)، حرف زائد (ا)

۴ این باب نیز معمولاً به صورت مفعول‌پذیر (گذرا، متعدی) ترجمه می‌شود.

۵ مصدر این فعل گاهی بر وزن «فَعَالٌ» می‌آید.

۲۴ مثال: مُجَاهِدَةٌ ← جِهَادٌ، مُدَافَعَةٌ ← دِفَاعٌ

۶ وزن «تَفَاعَلٌ» که برای ماضی باب «تَفَاعَلٌ» است شباهت بسیاری با وزن «تَفَاعُلٌ» که برای مضارع «مُفَاعَلَةٌ» است، دارد. برای این که این دو را با هم اشتباه نکنیم دقت کنید که اولاً علامتِ آخر فعل ماضی َ (فتحه) است مثل ذَهَبَ، أَنْزَلَ، تَضَارَبَ و علامتِ آخر فعل مضارع ُ (ضمّه) است فعل يَذْهَبُ، يَنْزِلُ، يَتَضَارَبُ.

ثانیاً حروف ناصبه (أَنْ - لَنْ - كَيْ - لَوْ و ...) و حروف جازمه (لَمْ ... - لَا ...) فقط قبل از فعل مضارع می‌آیند و فعل بعد از آن‌ها عمراً ماضی نیست!

۲۵ دام: در تست‌های کنکور، این باب را معمولاً در مواجهه با باب «تَفَاعَلٌ» به چالش می‌کشند. چرا که ماضی و مضارع این دو باب، بسیار به هم شبیه است. این جا نیز، فعلی که ظاهر ماضی و مضارع آن کوتاه‌تر باشد، مصدر یا باب آن بلندتر است. یعنی «فَاعَلٌ» از «تَفَاعَلٌ» و «يُفَاعِلُ» از «يَتَفَاعَلُ» کوتاه‌تر است اما مصدرش «مُفَاعَلَةٌ» از «تَفَاعَلٌ» بلندتر است!!

تمرین

عَبَّيْنِ الْمَزِيدِ الثَّلَاثِي بِزِيَادَةِ حَرْفٍ وَاحِدٍ:

(۱) ﴿... جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾

(۲) يَلَاحِظُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً وَرَعْدًا وَبَرْقًا.

پاسخ ۱ ■ «يَلَاحِظُ» از سه حرف اصلی «ل ح ظ» و بر وزن «يَفَاعِلُ» است،

پس از باب «مُفَاعَلَةٌ» است. از آن جا که صیغه «هُوَ» ماضی این فعل، بر وزن

«فَاعَلَّ» است پس تنها یک حرف زائد دارد: «ا»

■ «جَعَلَّ» فعل ماضی سه حرفی است پس ثلاثی مجرد است.

■ «لِتَعَارَفُوا» در اصل «تَتَعَارَفُونَ» بوده است! با توجه به سه حرف اصلی آن

«عرف» وزن آن در صیغه «هُوَ» ماضی، «تَفَاعَلَّ» است، پس ثلاثی مزید از

باب «تَفَاعَلَّ» و دارای دو حرف زائد است: «ت، ا»

۸- الگو (باب) إفعال

آخرین الگو در میان فعل‌های گروه دوم، باب إفعال است که در آن فعل ماضی بر وزن «أَفْعَلَّ»، فعل مضارع بر وزن «يُفْعِلُّ»، فعل امر بر وزن «أَفْعِلْ» و مصدر نیز بر وزن «إِفْعَالٌ» می‌آید.

دو مثال ■ أَخْرَجَ (بیرون آورد)، يُخْرِجُ (بیرون می‌آورد)، أَخْرَجَ (بیرون آور)، إِخْرَاجُ (بیرون آوردن)

در صرف این فعل‌ها نیز دقت کنید که مانند سایر فعل‌های گروه اول و دوم صرف می‌شوند و در صرف ماضی و مضارع، هیچ تفاوتی با آن فعل‌ها ندارند.

دو مثال ■ أَنَا أَخْرَجْتُ، نَحْنُ أَخْرَجْنَا، أَنْتُمْ أَخْرَجْتُمْ، أَنْتُمْ أَخْرَجْتُمْ، هُمْ أَخْرَجُوا،

هِيَ أَخْرَجَتْ، أَنَا أَخْرَجْتُ، نَحْنُ نُخْرِجُ، أَنْتُمْ تُخْرِجُونَ، أَنْتُمْ تُخْرِجُونَ، أَنْتِ تُخْرِجِينَ،

هُوَ يُخْرِجُ، هُمْ يُخْرِجُونَ، هُنَّ يُخْرِجْنَ.

نکته

۱ از آن جا که ماضی این باب با «أ» آغاز می شود، دقت کنید که فعل های ماضی را با مضارع اشتباه نگیرید.

۲ مثال: أَخْرَجْنَا (فعل ماضی صیغۀ اول شخص جمع)، أَخْرَجُوا (فعل ماضی صیغۀ سوم شخص جمع مذکر) و ...

۲ فعل ماضی و امر باب افعال شباهت بسیاری به هم دارند که از حرکت حروف آخر فعل قابل تشخیص اند.

۳ مثال: أَحْسَنَ (فعل ماضی)، أَحْسِنْ (فعل امر)

۳ تعداد حروف زائد این باب نیز یک حرف است (بزیادة حرف واحد) که در صیغۀ سوم شخص مفرد مذکر (هُوَ) می باشد.

۴ مثال: أَنْزَلَ: سه حرف اصلی (ن، ز، ل)، حرف زائد (أ)

۴ امر باب افعال، تنها فعل امری است که با فتحه (أ) آغاز می شود. به عبارت دیگر، در تمام فعل های گروه اول و دوم عربی، فعل امر با الف آغاز نمی شود و یا اگر ابتدای آن، الف بیاید به صورت «إ» و یا «أ» می آید. فقط در باب افعال، فعل امر با «أ» آغاز می شود.

۵ مثال: تُحْسِنُونَ: فعل امر: أَحْسِنُوا

۵ این فعل نیز در ترجمه به صورت گذرا (متعدی، مفعول پذیر) ترجمه می شود.

۶ مثال: خَرَجَ: خارج شد، أَخْرَجَ: بیرون آورد.

تمرین

عَيِّنِ الْفِعْلَ الْأَمْرَ مِنْ بَابِ الْإِفْعَالِ:

۱) رَجَاءٌ إِجْعَلُوا جَوَازًا نَكْمَ فِي أَيْدِيكُمْ!

۲) أَيُّهَا الْآبَاءُ! اجْلِسُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى الْكُرَاسِي!

پاسخ ۱ ■ فعل امر در باب افعال بر وزن «أفعل» است یعنی با فتحه (ـ) شروع می‌شود. «أجلِسوا: بنشانید» که مضارع آن «تَجَلِسُونَ» است. ■ «اجعلوا» فعل امر از مضارع ثلاثی مجرد «تَجْعَلُونَ» است.

توجه کنید

با برخی فعل‌های هم‌ریشه در باب‌های مختلف آشنا شویم تا آن‌ها را در تست‌های گوناگون خصوصاً ترجمه اشتباه نگیریم:

- خَرَجَ (بیرون رفت)، أَخْرَجَ (بیرون آورد)، تَخَرَّجَ (دانش‌آموخته شد)، اسْتَخْرَجَ (استخراج کرد)
- وَجَدَ (یافت)، أَوْجَدَ (ایجاد کرد)
- نَزَلَ (فرود آمد)، أَنْزَلَ (پایین آورد)، نَزَّلَ (پایین آورد)
- نَظَرَ (دید، مشاهده کرد)، انْتَبَهَرَ (انتظار کشید)
- عَمِلَ (انجام داد)، تَعَامَلَ (دادوستد کرد)، اسْتَعْمَلَ (به کار گرفت)، عَامَلَ (رفتار کرد)
- عَلِمَ (دانست)، عَلَّمَ (یاد داد)، تَعَلَّمَ (یاد گرفت)، أَعْلَمَ (اعلام کرد)، اسْتَعْلَمَ (استعلام کرد، خبر خواست)
- قَتَلَ (کشت)، قَاتَلَ (مبارزه کرد)
- دَخَلَ (داخل شد)، ادْخَلَ (داخل کرد)، تَدَخَّلَ (دخالت کرد)
- عَفَرَ (آمرزید)، اسْتَعْفَرَ (آمرزش خواست)
- رَجِمَ (مهربانی کرد)، تَرَاخَمَ (به یکدیگر مهربانی کردند)
- قَامَ (برخواست، ایستاد)، أَقَامَ (برپا داشت)، اسْتَقَامَ (استقامت کرد)
- يَسَرَ (آسان شد)، يَسَّرَ (آسان کرد)، تَيْسَّرَ (ممکن شد)
- صَدَّقَ (راست گفت)، صَدَّقَ (باور کرد)، تَصَدَّقَ (صدقه داد)
- سَقَطَ (افتاد)، أَسْقَطَ (ساقط کرد)، تَسَاقَطَ (پی‌درپی افتاد)

- شَهِدَ (گواهی داد)، شاهَدَ (مشاهده کرد)
- رَجَعَ (بازگشت)، اسْتَرْجَعَ (پس گرفت)، راجَعَ (مراجعه کرد)
- فَتَحَ (باز کرد)، انْفَتَحَ (باز شد)، تَفَتَّحَ (باز شد)، اِفْتَتَحَ (باز کرد)
- عَذَرَ (عذر پذیرفت)، اِعْتَذَرَ (عذر خواست)
- قَطَعَ (برید)، اِنْقَطَعَ (قطع شد)
- مَنَعَ (منع کرد)، اِمْتَنَعَ (خودداری کرد)
- دَرَسَ (درس خواند)، دَرَّسَ (درس داد)
- سَلِمَ (سالم ماند)، اسْتَلَمَ (دریافت کرد)، اُسْلَمَ (اسلام آورد)
- عَرَفَ (شناخت)، عَرَّفَ (شناساند)، تَعَرَّفَ (شناخت)، اِعْتَرَفَ (اعتراف کرد)، تَعَارَفَ (با هم آشنا شدند)
- كَسَبَ (کسب کرد)، اِكْتَسَبَ (کسب شد)
- حَمَلَ (حمل کرد)، حَمَلَّ (تحمیل کرد)
- دَفَعَ (پرداخت کرد، دور کرد)، دافَعَ (دفاع کرد)
- عاشَ (زندگی کرد)، تَعاشَى (همزیستی کرد)
- فَرِحَ (شاد شد)، فَرَّحَ (شاد کرد)
- جَلَسَ (نشست)، جالَسَ (همنشینی کرد)، اُجْلَسَ (نشاند)
- كَتَبَ (نوشت)، كاتَبَ (نامه‌نگاری کرد)
- اَشْرَكَ (شرک ورزید)، شارَكَ (مشارکت کرد)
- جَمَعَ (جمع شد)، اُجْمِعَ (جمع کرد)، اِجْتَمَعَ (اجتماع کرد)
- نَدِمَ (پشیمان شد)، نَدَّمَ (پشیمان کرد)
- قَعَدَ (نشست)، تَقَاعَدَ (بازنشسته شد)
- قَبِلَ (پذیرفت)، اَقْبَلَ (روی آورد)، قَبَّلَ (بوسید)، اسْتَقْبَلَ (استقبال کرد)
- ذَهَبَ (رفت)، اَذْهَبَ (از بین برد)
- هَدَى (هدایت کرد)، اِهْتَدَى (هدایت پذیرفت)، اُهْدَى (اهدا کرد)
- حَسَنَ (نیکو شد)، اَحْسَنَ (نیکی کرد)، حَسَّنَ (نیکو کرد)

در پایان کلیه الگوهای هشت‌گانه فعل‌های گروه دوم را در یک قاب مرور می‌کنیم:

ترتیب	وزن ماضی	وزن مضارع	وزن امر	وزن مصدر (باب)	حروف زائد
۱	أَفْعَلْ	يَفْعُلُ	أَفْعِلْ	إِفْعَالُ	أ
۲	فَعَّلْ	يَفْعَلُّ	فَعَّلْ	تَفْعِيلُ	تکرار عین‌الفعل
۳	تَفَعَّلْ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعُّلٌ	ت، تکرار عین‌الفعل
۴	فَاعِلْ	يُفَاعِلُ	فَاعِلْ	مُفَاعَلَةٌ	ا
۵	تَفَاعَلْ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلْ	تَفَاعُلٌ	ت، ا
۶	إِفْتَعَلَ	يُفْتَعِلُ	إِفْتَعِلْ	إِفْتِعَالٌ	ا، ت
۷	إِنْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	إِنْفَعِلْ	إِنْفِعَالٌ	ا، ن
۸	إِسْتَفَعَلَ	يَسْتَفَعِلُ	إِسْتَفَعِلْ	إِسْتِفْعَالٌ	ا، س، ت

نکته

همان‌طور که دیدید فعل‌های گروه اول (ثلاثی مجرد) یک تفاوت اساسی با فعل‌های گروه دوم (ثلاثی مزید) دارند. اگر شما ماضی یک فعل از گروه اول را داشته باشید (مثلاً نَزَلَ) تحت هیچ قواعدی نمی‌دانید که مضارع آن به صورت «يَنْزِلُ» است یا «يَنْزُلُ» یا «يَنْزُلُ!» فقط با حفظ کردن و شنیدن از قبل، می‌دانیم که «يَنْزِلُ» صحیح است. اما در فعل‌های ثلاثی مزید (گروه دوم) این‌گونه نیست چرا که با داشتن فعل ماضی به راحتی فعل مضارع، فعل امر و مصدر (باب) کشف می‌شود. مثلاً «أَقْدَمَ» چون بر وزن «أَفْعَلَ» است پس حتماً مضارعش بر وزن «يَفْعُلُ» (يُقَدِّمُ) و مصدر (باب) آن نیز بر وزن «إِفْعَالُ» (إِقْدَام) است!

پرسش های تستی

١- عَيَّنْ حرف «النُّون» ليست من الحروف الأصلية للفعل: (هنر ٩٥)

- (١) إنكسر الإناء الزجاجي بيد الطفل غفلة!
- (٢) رائحة الأزهار الطيبة انتشرت في ساحة دارنا!
- (٣) انتخبْتُ خمس مقالات من بين عشرة كتب لمطالعتي!
- (٤) قال الله تعالى أنعمت بك أكثر من مائتي نعمة، فلماذا لا تشكرني؟

٢- عَيَّنِ الفِعْلَ الَّذِي يَخْتَلِفُ فِي البَابِ:

- (١) إِنبَعَثَ الأنبياءُ لهدايةِ الناس!
- (٢) تَكَلَّمْتُ مَعَ صَدِيقِي حَوْلَ الإِمْتِحَانِ فِي الصَّفِّ!
- (٣) يَتَخَرَّجُ الطُّلَّابُ بَعْدَ سَنَوَاتٍ مِنَ الجَامِعَاتِ!
- (٤) خَلَقَ اللهُ النَّاسَ لِيَتَعَرَّفُوا عَلَى الآخَرِينَ!

٣- عَيَّنِ الفِعْلَ المَزِيدَ الثَّلَاثِي بِزِيَادَةِ ثَلَاثَةِ أَحْرُفٍ:

- (١) ﴿اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾
- (٢) ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا﴾
- (٣) اِسْتَقْبِلُوا ضِیُوفَكُمْ أَيُّهَا الرِّجَالُ!
- (٤) ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ﴾

٤- عَيَّنِ عِبَارَةً فِيهَا الأَفْعَالُ المَزِيدَةُ أَكْثَرَ:

- (١) ﴿قَالَ اللهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ إِثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ﴾
- (٢) جَعَلَ اللهُ الرَّحْمَةَ مِئَةَ جُزْءٍ فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ جُزْءًا.
- (٣) مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، ظَهَرَتْ بِنَابِغِ الحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ!
- (٤) اللهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتَنِيثِرُ سَحَابًا فَيَنْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ.

۵- عَيْنَ الْفِعْلِ الْمَزِيدِ الثَّلَاثِي بِزِيَادَةِ حَرْفَيْنِ:

- ۱) ﴿فَأَفْرُؤُوا مَا تَيْسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾
- ۲) أَحَبُّ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَ هِيَ جَمِيلَةٌ!
- ۳) ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾
- ۴) يَا لَيْتَ السَّمَاءُ تُمَطَّرُ عَلَيْنَا كَثِيرًا هَذَا الْيَوْمَ!

۶- عَيْنَ الْفِعْلِ الْمَزِيدِ الثَّلَاثِي يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي مِنْ حَيْثُ الْحُرُوفِ الرَّائِدَةُ:

- ۱) وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ!
- ۲) النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا!
- ۳) رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْفَهُ ثُمَّ هَدَى!
- ۴) حِينَمَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ أَنْصَتُوا!

۷- عَيْنَ الصَّحِيحِ لِاسْتِعْمَالِ الْأَفْعَالِ الْمَزِيدَةِ:

- ۱) اللَّهُ وَلِيَّ الَّذِينَ آمَنُوا يَخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ!
- ۲) هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ الْقُرْآنَ لَهْدَايَةِ النَّاسِ إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ!
- ۳) تَعَاشَرُوا كَالْإِخْوَانِ وَ اعْمَلُوا كَالْأَجَانِبِ!
- ۴) لَا تَجْمَعُ خَصْلَتَانِ فِي مُؤْمِنٍ: الْبُخْلُ وَ الْكِبْدُ!

۸- عَيْنَ مَا فِيهِ أَبْوَابُ الْمَزِيدِ الثَّلَاثِي أَكْثَرُ تَنْوَعًا:

- ۱) تَوَاضَعُوا لِمَنْ تَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَ لِمَنْ تَعَلَّمُونَهُ!
- ۲) وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ!
- ۳) إِنْ جَالَسْتَ الْمُؤْمِنِينَ فَنَفَعَكَ وَ إِنْ مَاشَيْتَهُ نَفَعَكَ وَ إِنْ شَارَكْتَهُ نَفَعَكَ!
- ۴) تَعَلَّمُوا وَ عَلِّمُوا وَ تَفَقَّهُوا وَ لَا تَمُوتُوا جُهَالًا!

پاسخ پرسش‌های تستی

۱- گزینه «۱» در این گزینه «انکسر» بر وزن «انفعل» است که ریشه آن «کسر» است.

بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه «۲»: انتشارت ← ریشه آن: نشر / گزینه «۳»: انتخابت ← ریشه آن: نخب
گزینه «۴»: أنعمت ← ریشه آن: نعم

۲- گزینه «۱» «أُتْبِعْتُ» از حروف اصلی «بعث» تشکیل شده و صیغه «هُوَ» آن بر وزن «أَفْعَلٌ» است. پس از باب «انفعال» می‌باشد. / «تَكَلَّمْتُ» از حروف اصلی «کلم» تشکیل شده و صیغه «هُوَ» آن بر وزن «تَفَعَّلٌ» است پس از باب «تَفَعَّلٌ» می‌باشد. / «يَتَخَرَّجُ» از حروف اصلی «خرج» تشکیل شده و بر وزن «يَتَفَعَّلُ» است، پس از باب «تَفَعَّلٌ» است. / «لِيَتَعَرَّفُوا» در اصل «يَتَعَرَّفُونَ» از حروف اصلی «عرف» بوده که صیغه «هُوَ» آن بر وزن «يَتَفَعَّلُ» می‌شود پس از باب «تَفَعَّلٌ» است.

۳- گزینه «۳» در صورت تست خواسته شده که کدام فعل دارای سه حرف زائد است. «اسْتَقْبَلُوا» فعل امر برای صیغه دوم شخص جمع مذکر و از ریشه «قبل» است که وزن صیغه «هُوَ» ماضی آن «اسْتَفْعَلَ» و از باب «اسْتَفْعَال» است. این باب، تنها بابی است که دارای سه حرف زائد است.

بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه «۱»: «اجْتَبُوا»؛ فعل امر، حروف اصلی «جنب»، وزن صیغه «هُوَ» ماضی «أَفْعَلٌ»، باب «افْتِعَال»، دارای دو حرف زائد (بزیاده حَرْفَيْنِ)

گزینه «۲»: «اغْصِمُوا»؛ فعل امر، حروف اصلی «عصم»، وزن صیغه «هُوَ» ماضی «أَفْعَلٌ»، باب «افْتِعَال»، دارای دو حرف زائد «بزیاده حَرْفَيْنِ»

گزینه «۴»: «أُرْسَلْنَا»؛ فعل ماضی، حروف اصلی «رسل»، وزن صیغه «هُوَ» ماضی «أَفْعَلٌ»، باب «إفْعَال»، دارای یک حرف زائد (بزیاده حَرْفٍ واحدٍ)

۴ - گزینه «۴»

■ یُزْبِلُ؛ فعل مضارع از سه حرف اصلی «رسل» بر وزن «يُفْعِلُ» ثلاثی مزید باب اِفعال.

■ تُثِيرُ؛ فعل مضارع از سه حرف اصلی «ثیر» بر وزن تُفْعِلُ، ثلاثی مزید باب اِفعال.

و بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه (۱): لا تَتَّخِذُوا؛ فعل نهی از سه حرف اصلی «أخذ» بر وزن «لا تَفْتَعِلُوا» ثلاثی مزید باب «اِفعال»

گزینه (۲): جَعَلَ؛ فعل ماضی از سه حرف اصلی «جعل» ثلاثی مجرّد / اَمْسَكَ؛ فعل ماضی از سه حرف اصلی «مسك» بر وزن «أفْعَل» ثلاثی مزید باب اِفعال

گزینه (۳): أَخْلَصَ؛ فعل ماضی از سه حرف اصلی «خلص» بر وزن «أفْعَل» ثلاثی مزید باب اِفعال.

۵ - گزینه «۱»

■ «تَيَسَّرَ» از ریشه «يسر» بر وزن «تَفَعَّلَ» است که دارای دو حرف زائد است «ت» و تکرار عین الفعل

۶ - گزینه «۲» «إِنْتَبَهُوا» فعل ماضی در صیغه سوم شخص جمع مذکر از ریشه «ن ب ه» است که بر وزن اِفْتَعَلُوا رفته پس از باب «اِفعال» و دارای دو حرف زائد است. (أ - ت)

و بررسی سایر گزینه‌ها

در هر سه گزینه دیگر فعل‌های «أقيموا»، «أتوا» و «أنصتوا» فعل امر و «أعطى» فعل ماضی همگی از باب اِفعال و به ترتیب از حروف اصلی «قوم»، «أتی»، «نصت» و «عطى» هستند که دارای یک حرف زائد می‌باشند: «أ».

یادتون نره که ملاک تعیین باب فعل ثلاثی مزید و تعداد حروف زائدش، صیغه «هُوَ» (سوم شخص مفرد مذکر) برای فعل ماضیه!

۷- گزینه ۲) **بررسی سایر گزینه‌ها**

گزینه ۱): «يُخْرَجُ: بیرون می‌رود» باید ثلاثی مزید و در باب افعال بیاید: «يُخْرَجُ: بیرون می‌برد» ترجمه عبارت: «خداوند سرپرست کسانی است که ایمان آورند، آن‌ها را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون می‌برد.»

گزینه ۳): «إِعْمَلُوا: کار کنید» باید ثلاثی مزید و در باب تفاعل بیاید: «تَعَامَلُوا: رفتار کنید، معامله کنید.» ترجمه عبارت: «مانند برادران با هم معاشرت کنید و مانند بیگانگان با هم معامله کنید.»

گزینه ۴): «لَا تَجْمَعُ: جمع نمی‌کنی» باید به صورت ثلاثی مزید و در باب افعال بیاید: «لَا تَجْتَمِعُ: جمع نمی‌شود.» ترجمه عبارت: «دو ویژگی در فرد باایمان جمع نمی‌شود: خسیس بودن و دروغگویی.»

۸- گزینه ۱) در صورت تست خواسته شده است که در کدام گزینه باب‌های ثلاثی مزید متنوع‌تری وجود دارد.

- «تَوَاصَعُوا»؛ ریشه «وضع»، وزن: تَفَاعَلُوا، باب تفاعل
- «تَتَعَلَّمُونَ»؛ ریشه «علم»، وزن: تَتَفَعَّلُونَ، باب تَفَعَّل
- «تُعَلِّمُونَ»؛ ریشه «علم»، وزن: تُفَعِّلُونَ، باب تَفَعَّل

بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۲): «شَاوَزُ»؛ باب مُفَاعَلَة، «عَزَمْتُ»؛ ثلاثی مجرد، «تَوَكَّلُ»؛ باب تَفَعَّل

گزینه ۳): «جَالَسْتُ»؛ باب مُفَاعَلَة، «نَفَعَ»؛ ثلاثی مجرد، «مَاشَيْتُ»؛ باب مُفَاعَلَة، «شَارَكْتُ»؛ باب مُفَاعَلَة

گزینه ۴): «تَعَلَّمُوا»؛ باب تَفَعَّل، «عَلَّمُوا»؛ باب تَفَعَّل، «تَفَقَّهُوا»؛ باب تَفَعَّل، «لَا تَمُوتُوا»؛ ثلاثی مجرد

پس در گزینه ۱) سه باب مختلف، در گزینه ۲) دو باب مختلف، در گزینه ۳) یک باب و در گزینه ۴) هم دو باب مختلف به کار رفته است.

الجملة الفعلية والجملة الاسمية

مباحث پیش نیاز: (۱) تشخیص اسم از فعل (۲) شناخت علامت‌ها در عربی

در زبان عربی مانند هر زبان دیگری برای رساندن معانی و منظور خود، کلمات را در کنار یکدیگر به کار برده و جمله می‌سازیم. در زبان فارسی جملات همیشه با یک اسم یا ضمیر شروع می‌شوند و برای پرسش هم، یک کلمه پرسشی در ابتدای جمله می‌آید. مثل: «علی رفت، او می‌آید، چه کسی را دیدی؟» در زبان انگلیسی هم ابتدا اسم یا ضمیر می‌آید و در جملات پرسشی هم، کلمه پرسشی در ابتدای جمله می‌آید. مثل: «... Ali went, He come» اما جملات در عربی به دو گونه‌اند: **۱** فعلیه **۲** اسمیه

۱- جمله فعلیه

جمله‌ای است که با فعل آغاز شود. به عبارت دیگر، ابتدای جمله یک فعل ماضی، مضارع، امر و ... قرار می‌گیرد. در این صورت پس از فعل، حتماً و حتماً یک **فاعل** (گاهی نائب فاعل برای فعل مجهول می‌آید که در درس بعد با این فعل‌ها آشنا می‌شویم) می‌آید که همان انجام‌دهنده فعل جمله است و گاهی پس از فاعل، یک اسم دیگر با عنوان **مفعول** می‌آید. در حقیقت اجزای اصلی جمله فعلیه، نقش‌های فاعل و گاهی مفعول هستند. به هر یک از این نقش‌ها، «محلّ اعرابی» گفته می‌شود.

﴿مثال﴾ بَغَفِرَ اللَّهُ الذَّنُوبَ - إِنْتَامَ الْجُرْحُ
فعل فاعل مفعول فعل فاعل

تمرین

عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الْفَعْلِيَّةَ:

(۱) الْمُعَلِّمُ يُشَجِّعُ طَلَّابَهُ عَلَى الْإِجْتِهَادِ!

(۲) مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ!

پاسخ ۱) جمله فعلیه با فعل آغاز می شود. «ما قَسَمَ: تقسیم نکرد» یک

فعل ماضی منفی است. «المُعَلِّم» اسم است و ابتدای جمله آمده و سبب شده که جمله اسمیه باشد.

نکته

جمله‌ای که با حروف آغاز شود مثل: حروف جر «فی، من، إلی، ...» یا حروف استفهام و پرسشی «هَلْ، أ» یا حروف منفی کننده «ما، لا، لَمْ و ...» به خودی خود اسمیه یا فعلیه نیست، بلکه باید به کلمات پس از این حروف دقت کنیم. اگر ابتدای جمله، جار و مجرور باشد (حرف جر + اسم بعدی (مجرور)) باشد، کلمه بعد از این دو تعیین کننده نوع جمله است؛ مثلاً «فِي الْبَيْتِ رَجُلٌ» جمله اسمیه است و «فِي الْبَيْتِ أَكَلْتُ» جمله فعلیه!!!

تمرین

عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الْإِسْمِيَّةَ:

(۱) فِي الشَّارِعِ رَأَيْتُ مُعَلِّمِي رَاكِبًا!

(۲) فِي الْخِزَانَاتِ زَبُوتٌ طَبِيبَةٌ لِلْأَمْرَاضِ!

پاسخ ۱) در گزینه (۱) پس از جار و مجرور (فِي الشَّارِعِ) فعل «رَأَيْتُ» آمده

است؛ پس جمله فعلیه است، اما در گزینه (۲) پس از جار و مجرور (فِي

الْخِزَانَاتِ) اسم «زَبُوتٌ» آمده است!

۱- گزینه «۲»

۲- گزینه «۱»

■ فاعل هیچ گاه بر فعل مقدم نمی شود (قبل از فعل نمی آید)، بنابراین اگر در جمله ای انجام دهنده کار را قبل از فاعل ذکر کنیم (مثل: **اللَّهُ يَغْفِرُ الذَّنُوبَ**) با جمله جدیدی به نام جمله اسمیه روبه رو هستیم که در ادامه خواهیم آموخت.

■ اگر مفعول یک ضمیر باشد، حتماً از خانواده ضمیر «ي - كَ - ه - هَا - نَا - كُمْ - كُنَّ - هُمْ - هُنَّ - هُمَا» است که به آخر فعل چسبیده و بر فاعل مقدم می شود (پس از فعل و پیش از فاعل می آید)؛ یعنی ساختار جمله فعلیه به صورت «فعل + مفعول + فاعل» درمی آید.

«مثال» شاهد كَ الأستاد.
 فعل مفعول فاعل

نکته

مفعول گاهی خودش یک فعل (جمله) است و این امر زمانی رخ می دهد که پس از فعل از ریشه «قول»، یک فعل یا جمله آمده است؛ بنابراین آن فعل یا جمله را مفعول می گیریم.

«مثال» قُلْ سِیْرُوا فِی الأَرْضِ.
 فعل امر و فاعل مفعول جار و مجرور ضمیر مستتر «انْت»

انواع فاعل

۱- اگر در جمله عربی پس از فعل و قبل از انجام دهنده کار، یکی از اسم های اشاره آمده باشد، در حقیقت، فاعل همان اسم اشاره است و اسمی که به معنای انجام دهنده کار است را فاعل نمی گیریم.

«مثال» قَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الحِیَوَانَاتُ الإنسانَ.
 فعل فاعل مفعول

۲- فاعل عمدتاً یک اسم مشخص و ظاهر و آشکار پس از فعل است، اما گاهی اوقات به صورت ضمیری به آخر فعل چسبیده است که قطعاً جزء ضمیری است که با صرف کردن فعل‌ها خودبه‌خود در انتهای فعل می‌آید «ت - ت - ت - نا - تُما - تُم - تُنَّ - ا - و - ن - ی».

«مثال ۲» قَتَلُوا الأعداء في الحرب.

فعل و فاعل مفعول

ضمیر بارز (ظاهر) واو

۳- اگر به انتهای فعل ضمیری نچسبیده باشد و پس از فعل نیز، اسمی را که انجام‌دهنده فعل جمله باشد، نیابیم، قطعاً فاعل ضمیر مُسْتَتَر (پنهانی) است. این حالت در اول شخص مفرد و جمع و دوم شخص مفرد مذکر فعل مضارع همیشه رخ می‌دهد، اما در سوم شخص مفرد فعل ماضی و مضارع گاهی اتفاق می‌افتد.

«مثال ۳» أَكْتَبِ الواجبات في البيت - اللهُ يَغْفِرُ الذَّنوبَ.

فعل و فاعل مفعول فعل و فاعل مفعول

ضمیر «انت»، مستتر ضمیر «هو»، مستتر

«تمرین ۱»

عَيْنُ الْفَاعِلِ فِي هَذِهِ الْعِبَارَةِ: «تُوَدِّي الْأُمُّ دَوْرًا مُهِمًّا فِي تَرْبِيَةِ الْأَوْلَادِ!»
(۱) الأُمُّ (۲) دَوْرًا

پاسخ ۱ فاعل همان انجام‌دهنده کار است. در این جمله، «الأُمُّ: مادر» کار انجام داده است و البته جایگاه آن نیز پس از فعل است.

ترجمه عبارت: «مادر، نقش مهمی در پرورش فرزندان انجام می‌دهد.»

نکته

۱) دقت کنید که فعل باید از لحاظ تعداد و جنس تابع فاعل خود باشد نه مفعول.

«مثال ۲۲» كَتَبَ مُحَمَّدٌ التَّمَارِينَ - سَمِعْتُ فاطِمَةَ الصَّوْتِ.

فعل مفرد	فاعل مفرد	فعل مفرد	فاعل مفرد	مفعول مفرد
مذكر	مذكر	مفعول جمع	مؤنث	مذكر

۲) البته نکته قبل در دو حالت دارای استثناست: یکی زمانی که فاعل، اسم جمع غیرانسان (غیرعاقل) باشد. در این صورت فعل را می‌بایست به صورت مفرد مؤنث بیاوریم.

«مثال ۲۳» شاهَدْتُ طيوْرَ المناظرِ الجميلةِ.

فعل مؤنث	فاعل جمع	مفعول	صفت
مفرد	غیرانسان		

مورد دوم نیز این است که فعل سوم شخص در ابتدای جمله به صورت مفرد می‌آید، حتی اگر فاعل آن مثنی یا جمع باشد.

«مثال ۲۴» ضَرَبَ اللَّاعِبُونَ الكُرَةَ.

فعل مفرد	فاعل جمع	مفعول
مذكر		

كَتَبْتُ	تَلْمِيذَاتِ	الدَّرْسِ.
فعل مفرد	فاعل جمع	مفعول
مؤنث	مؤنث	

تمرین

عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ إِسْتِخْدَامِ الْفِعْلِ:

- يَذْكُرُونَ الْمُؤْمِنُونَ نِعَمَ اللَّهِ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ!
- تُحَوَّلُ الْأَسْمَاكُ الْمُضِيئَةُ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى النَّهَارِ!

پاسخ ۱ در گزینه (۱)، فعل «يَذْكُرُونَ» که در صیغه سوم شخص جمع مذکر آمده است، باید به صورت مفرد «يَذْكُرُ» بیاید چون در ابتدای جمله آمده و فاعلش هم اسم جمع مذکر سالم «المؤمنون» است. به عبارت دیگر، فعل سوم شخص (غائب) در ابتدای جمله به صورت مفرد می‌آید!

در گزینه (۲) «الأسماك» جمع غیرانسان است. (ماهی‌ها) پس فعلش به صورت مفرد مؤنث می‌آید. «تَحْوَلُ»

■ ممکن است فاعل یا مفعول، صفت یا مضاف‌الیه بگیرند؛ یعنی خودشان مضاف یا موصوف شوند، پس باید با ترجمه دقیق، آن‌ها را با یکدیگر اشتباه نگیریم.

و مثال ۱ يَزُرُّعُ الْفَلَاحُ الْمَجْدُ أَشْجَارَ التَّنْفَاحِ.
فعل فاعل صفت مفعول مضاف‌الیه

نکته

۱ برخی فعل‌ها در زبان عربی، بیش از یک مفعول می‌گیرند!! یعنی دومفعولی هستند. حفظ کردن آن‌ها خالی از لطف نیست: زَرَقَ (روزی داد)، أُعْطِيَ (اعطا کرد، بخشید)، وَهَبَ (بخشید)، اَلْبَسَ (پوشانید)، عَلَّمَ (یاد داد)، جَعَلَ (قرار داد) و ...

و مثال ۲ اَلْبَسَتِ اَلْأُمُّ الطِّفْلَ قَمِيصًا. مادر، لباس را به کودک پوشانید.
فاعل مفعول ۱ مفعول ۲

﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ﴾: «حقیقتاً ما کوثر را به تو بخشیدیم.»
فاعل مفعول ۱ مفعول ۲

۲ در میان ضمائر، یک ضمیر بسیار چَمُوش و بدقِیق است که باید خیلی حواسمان به ایشان باشد. ضمیر «نا»!!! این ضمیر اگر به آخر فعل بچسبد می‌تواند فاعل باشد؛ مثل: ﴿أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا﴾: «ما تو را به حق، مژده‌دهنده و بیم‌دهنده فرستادیم.» و یا این که مفعول باشد مثل: ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً ... وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾: «پروردگارا، به ما در دنیا نیکی بده ... و ما را از عذاب آتش ننگه دار.»

برای تشخیص صحیح در این مورد، باید به ترجمه، خیلی مسلط باشیم!!! دقت کنید که در هر صورت ضمیر «نا» مربوط به صیغه اول شخص جمع (للمتکلم مع الغير) است! به همین دلیل اگر دیدید که این ضمیر به آخر فعل امر یا مضارع چسبیده صدرصد مفعول است!

تمرین

عَيْنِ ضمير «نا» فاعلاً:

۱ ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ ۲ ﴿... وَ لَا تُحْمَلُنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾

پاسخ ۱ ■ «انزلنا» صیغه اول شخص جمع (للمتکلم مع الغير) است؛ پس ضمیر «نا» نقش فاعل دارد: «قطعاً ما آن را در شب قدر نازل کردیم.»

۲ ■ «لا تُحْمَلْ» فعل نهی برای صیغه دوم شخص مفرد مذکر (للمخاطب) است؛ پس ضمیر «نا» قطعاً مفعول است: «... و آنچه توانش را نداریم بر ما تحمیل مکن!»

■ فاعل از نظر اعراب و حرکت آخر کلمه، معمولاً ضمّه (ـُ) می‌گیرد و اگر مثنی باشد با «ان» و اگر جمع مذکر باشد با «ون» می‌آید، اما مفعول

فتحه (ـَ) می‌گیرد و اگر مثنی باشد با «ین» و اگر جمع مذکر باشد با «ین» و اگر جمع مؤنث باشد با «ات، ات» می‌آید.

۲- جمله اسمیه

جمله‌ای است که با اسم آغاز می‌شود. این جمله دارای دو جزء (رُکن) اصلی است که عبارت‌اند از: مبتدا و خبر!

مبتدا: اسمی که در ابتدای جمله می‌آید و در حقیقت موضوع اصلی جمله است. این اسم عمدتاً معرفه است؛ یعنی «ال» دارد یا اسم خاص (عَلَم) است و یا این که جزء ضمائر، اسم‌های اشاره، موصول و ... می‌باشد. دقت کنید که در زبان عربی ضمائر یک نوع اسم به شمار می‌روند؛ پس اگر در ابتدای جمله‌ای بیایند، حتماً با یک جمله اسمیه روبه‌رو هستیم.

خبر: توضیح و خبری در مورد مبتداست که پس از آن می‌آید و در حقیقت تکمیل‌کننده معنای جمله اسمیه می‌باشد.

«مثال» هُوَ تَلْمِيذٌ، الْأَشْجَارُ جَمِيلَةٌ
مبتدا خبر مبتدا خبر

انواع خبر:

خبر جمله می‌تواند یک اسم باشد (مفرد، مثنی یا جمع) و یا این که یک فعل باشد (خبر جمله) و یا یک جار و مجرور باشد (خبر شبه جمله).

«مثال» عَلِيٌّ عَادِلٌ - عَلِيٌّ يَذْهَبُ إِلَى الْبَيْتِ - عَلِيٌّ فِي الْبَيْتِ.
مبتدا خبر مبتدا خبر جمله مبتدا خبر جار ومجرور

نکته

۱ اگر خبر یک اسم جزء اسامی فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه، اسم تفضیل، اسم زمان و اسم مکان باشد، باید از نظر تعداد (مفرد، مثنی و جمع) و جنس (مذکر و مؤنث) با مبتدا یکسان باشد، ولی اگر جزء آن اسامی نباشد، مطابقت تعداد و جنس لازم نیست.

«مثال» عَلِيٌّ - عَادِلٌ - فَاطِمَةٌ - عَادِلَةٌ - الْجُمْلَةُ نُوعَانِ.

مبتدا، مفرد مذکر	خبر اسم فاعل مفرد مذکر	مبتدا مفرد مؤنث	خبر اسم فاعل مفرد مؤنث	مبتدا مفرد مؤنث	خبر مثنی مذکر
---------------------	------------------------------	--------------------	------------------------------	--------------------	------------------

۲ این گونه نیست که خبر، لزوماً بلافاصله پس از مبتدا بیاید؛ بنابراین گاهی بین آن دو فاصله می‌افتد و برای تشخیص خبر باید کلمه یا عبارتی را بیابیم که با حذف سایر کلمات جمله و باقی ماندن آن مبتدا و خبر، جمله دارای معنای قابل قبول و کاملی باشد.

«مثال» الْعَوَاصِرُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمَحِيْطِ لَيْلًا سَاهِدُوا

مبتدا	خبر فعل و فاعل ضمیر بارز «واو»
-------	--------------------------------

مِائَاتِ الْمَصَابِيحِ الْكَهْرَبَائِيَّةِ

مفعول	مضاف‌الیه	صفت
-------	-----------	-----

حرکت آخر در مبتدا و خبر مرفوع است؛ یعنی یکی از علامت‌های ضمه یا تنوین رفع (ـُـ)، «ان» برای اسم مثنی و «ون» برای اسم جمع مذکر سالم می‌آید؛ پس علامت «ین» یا «ـِـ» برای مبتدا و خبر نمی‌آید.

«مثال» الْمُعَلِّمَانِ ضَاحِكَانِ - الْمُسْلِمُونَ مُتَّحِدُونَ

مبتدا و مرفوع	خبر و مرفوع	مبتدا و مرفوع	خبر و مرفوع
با «ان»	با «ان»	با «ون»	با «ون»

تمرین

عَيْنَ الْخَيْرِ: «الْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ»

(۱) يَأْكُلُ (۲) الْحَسَنَاتِ

پاسخ ۱ خبر، عبارتی است که معنای مبتدا با آن کامل می‌شود. مبتدا «الْحَسَدُ» است و پس از بیان آن، اشاره به این مفهوم شده که سبب می‌شود نیکی‌ها از بین برود.

«حسادت، نیکی‌ها را می‌خورد (از بین می‌برد) همان‌گونه که آتش، هیزم را می‌خورد.» پس «يَأْكُلُ» خبر است. «الْحَسَنَاتِ» نقش مفعول برای فعل «يَأْكُلُ» دارد.

■ تقدیم خبر بر مبتدا: اگر مبتدا اسمی نکره بدون «ال» و غیر اسم عَلَم، اشاره، موصول و ضمیر باشد و خبر نیز جار و مجرور باشد، در این صورت خبر پیش از مبتدا می‌آید و به اصطلاح بر آن مقدم می‌شود؛ یعنی ساختار جمله اسمیه به صورت «جار و مجرور + مبتدای نکره» درمی‌آید.

«مثال» **لِلْغَرَابِ صَوْتُ.**
خبر مقدم مبتدای مؤخر

■ مبتدا و خبر نیز مانند فاعل و مفعول می‌توانند مضاف‌الیه یا صفت بگیرند؛ یعنی خودشان موصوف یا مضاف واقع شوند.

«مثال» **صُدُوْرُ الْأَحْرَارِ قُبُوْرُ الْأَسْرَارِ.**
مبتدا مضاف‌الیه خبر مضاف‌الیه

■ دقت کنید که اگر خبر جمله اسمیه یک فعل باشد (خبر جمله)، حتماً دارای فاعل و گاهی مفعول است؛ پس در جمله اسمیه نیز امکان حضور فاعل و مفعول وجود دارد، اما پس از مبتدا [نه در ابتدای جمله] و به

صورت بخش‌هایی از خبر جمله:

﴿مثال﴾	المُعَلِّمُ	يُدْرِسُ	اللُّغَةَ	العَرَبِيَّةَ.
	مبتدا	خبر	مفعول	صفت
		جمله فعلیه		
		فاعل ضمیر مستتر «هُوَ»		

تمرین

عَيِّنِ الْفَاعِلَ مُضَافًا:

(۱) اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ ضَوْءَ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ!

(۲) يَفْرَحُ تِلَامِيذُنَا فِي الْمَدْرَسَةِ فِي حَفْلَةِ النَّصْرِ!

پاسخ ۱ در گزینه (۱)، فاعل «الْعُلَمَاءُ» است که به هیچ اسمی اضافه نشده است. دقت کنید که اسم مُضَاف، هیچ‌گاه «ال» یا تنوین نمی‌گیرد. «دانشمندان، نور آن ماهی‌ها را کشف کردند.»

در گزینه (۲) «تِلَامِيذُنَا» فاعل برای فعل «يَفْرَحُ» است که به ضمیر «نا» اضافه شده است. «دانش‌آموزان ما در مدرسه در جشن پیروزی شادی می‌کنند.»

جملاتی از درس برای تمرین جمله اسمیه و فعلیه

نوع جمله	جمله و اجزا
فعلیه	اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَضْوَاءَ تَنْبَعُ مِنْ نَوْعِ مِنَ الْبَكْتَرِيَا. فعل فاعل فعل و فاعل ضمیر مستتر «هِيَ»
اسمیه	هُوَ بِمَنْزِلَةِ جَاسُوسٍ مِنْ جَوَاسِيسِ الْغَايَةِ. مبتدا خبر مضاف‌الیه مضاف‌الیه
اسمیه	لِلْبَطِّ خَيْرٌ مَقْدَمٌ خَزَانَتِ طَبِيعِيَّةٍ بِالْقُرْبِ مِنْ أذَانِهِ. خبر مقدم مبتدای مؤخر صفت جار و مجرور نکره

نوع جملة	جملة و اجزا
فعلية	تَسْتَطِيعُ الْجِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ. فعل فاعل فعل و فاعل مفعول مضاف اليه صفت ضمير مستتر «هي»
فعلية	لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ. فعل فاعل مضاف اليه
فعلية	يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ. فعل فاعل مفعول
اسمية	الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَ مِفْتَاحُهَا السُّؤَالُ. مبتدا خبر مبتدا مضاف اليه خبر
اسمية	إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ. مبتدا مضاف اليه خبر
فعلية	مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ. فعل فاعل مفعول صفت
فعلية	قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً. فعل و فاعل ضمير مفعول مستتر «أنت» فعل و فاعل ضمير مفعول مستتر «هو»
فعلية	أَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الدُّنْبُ. فعل و فاعل ضمير فعل مفعول فاعل مستتر «أنا»
فعلية	وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ. فعل امر و فاعل مفعول مضاف اليه ضمير مستتر «أنت»
اسمية	السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ. مبتدا خبر مبتدا خبر

نوع جمله	جمله و اجزا
اسمیه	جَمَالَ المَرْءُ فَصَاحَةً لِسَانِهِ. مبتدا مضاف‌الیه خبر مضاف‌الیه مضاف‌الیه
اسمیه	الصَّلَاةُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ. مبتدا خبر مضاف‌الیه مضاف‌الیه
فعلیه	أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ. فعل و فاعل ضمیر مفعول مفعول فاعل و فاعل ضمیر بارز و او، مفعول مضاف‌الیه مفعول مضاف‌الیه

پرسش‌های تستی

۱- «..... البضائع..... فالتَّاس طلبوا من الحكومة أن!» عيِّن المناسب للفراغات:

(تجربی ۹۸)

- ۱) قيمة / يزداد / تَقَلَّهَا
۲) ثمن / كشرت / تَمَرَّهَا
۳) أسعار / إرتفعت / تُخَفِّضُهَا
۴) نقود / يرتفع / تَمَنَعُهَا

۲- عيِّن الخبر المقدم:

(انسانی اختصاصی ۹۸ خارج)

- ۱) في العفو سَيءٌ لا تَجده في الانتقام!
۲) في بعض الأوقات نجاحك في خسرانك!
۳) في قِيَمِنَا الدينية الرزق الكثير في الإنفاق لا في البخل!
۴) في رأي العقلاء الإجابة قبل أن تسمع من أخلاق الجُهال!

۳- عيِّن الغدّد مفعولاً:

(انسانی ۹۷)

- ۱) إنْ تدرس كل يوم تسع ساعات بجِدّ تنجح قريباً!
۲) كان يُطعم ثمانية مساكين كل أسبوع في ثلاث مرّات!
۳) قرأت الصّفحة الثانية من هذه المنظومة عشر دقائق!
۴) إنْ ثلاثة أشهر و أسبوعاً واحداً قضيت في تلك القرية!

(خارج ٩٤)

٤- عَيَّن ضَمِير الْبَاءِ لَيْسَ فَاعِلًا:

- (١) إِنَّ تُنَادِي رَبَّكَ الرَّؤُوفَ فَهُوَ يُجِيبُكَ!
- (٢) أَمْ لَمْ تَذُوقِي حَلَاوَةَ عَاقِبَةِ الصَّبْرِ حَتَّى الْآنَ!
- (٣) اِسْمَحِي لِي بِأَنْ أُبَيِّنَ لَكَ نَتَائِجَ جُهْدِكَ!
- (٤) نَبَّهْنِي لَذِكْرِكَ يَا إِلَهِي، حَتَّى أَبْتَعِدَ عَنِ الضَّلَالَةِ!

(هنر ٨٥)

٥- عَيَّن الْفَاعِلَ لَيْسَ اسْمًا ظَاهِرًا:

- (١) لَمْ تَقْصُرِ الطَّالِبَاتُ فِي أَدَاءِ وَاجِبَاتِهِنَّ الدِّرَاسِيَّةِ!
- (٢) رَبَّتْ هَذِهِ الشَّاعِرَةُ أَوْلَادَهَا عَلَى الْقِيَمِ الْإِسْلَامِيَّةِ!
- (٣) إِنَّ الْإِسْلَامَ عَدَدُ الْعُلَمَاءِ مِنَ الْمَجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ!
- (٤) عِنْدَ الْغُرُوبِ يَذْهَبُ الْأَطْفَالُ لِيُشَارِكُوا فِي إِقَامَةِ الصَّلَاةِ!

٦- عَيَّن مَفْعُولًا يَقَدِّمُ عَلَى الْفَاعِلِ:

- (١) ﴿أَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذَّنْبُ وَ أَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ﴾
 - (٢) ﴿إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَاتِنَا﴾
 - (٣) مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ!
 - (٤) حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ!
- ٧- عَيَّن ضَمِير «نَا» يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي فِي «الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ»:

- (١) ﴿سَبْحَانَكَ فَمِنَّا عَذَابُ النَّارِ﴾
- (٢) ﴿إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ﴾
- (٣) ﴿وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ﴾
- (٤) ﴿آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ﴾

پاسخ پرسش‌های تستی

- ۱- گزینه «۳» جای خالی اول محل مبتداست و جای خالی دوم محل خبر است، پس باید از نظر تعداد و جنس مطابقت داشته باشند. «أَسْعَارُ: قیمت‌ها» جمع غیرعاقل است پس خبرش باید مفرد مؤنث بیاید: «ارْتَفَعَتْ: بالا رفت». در سایر گزینه‌ها مبتدا و خبر از نظر تعداد و جنس مطابق هم نیستند.
- ۲- گزینه «۱» در این گزینه «شئ» مبتدا مؤخر و «فِي الْعَفْوِ» خبر مقدم است. «چیزی در بخشش است که آن را در انتقام نمی‌یابی.»

بررسی سایر گزینه‌ها

- گزینه «۲»: «نَجَاحٌ» مبتدا و «فِي خُسْرَانٍ» خبر است.
- گزینه «۳»: «الرِّزْقُ» مبتدا و «فِي الْإِنْفَاقِ» خبر است.
- گزینه «۴»: «الْإِجَابَةُ» مبتدا و «مِنْ أَخْلَاقٍ» خبر است.
- ۳- گزینه «۲» در این گزینه «ثَمَانِيَةٌ» مفعول فعل «يُطْعَمُ: غذا می‌داد» است. «در هر هفته، در سه مرتبه، هشت بیچاره را غذا می‌داد.»

بررسی سایر گزینه‌ها

- گزینه «۱»: تسع در نقش مفعول نیست.
- گزینه «۳»: الثَّانِيَةُ صفت است و عشر نیز مفعول نیست.
- گزینه «۴»: ثَلَاثَةٌ اسم إنّ است و واحداً نیز صفت است.
- ۴- گزینه «۴» «ي» در نَبَّهْنِي مفعول است نه فاعل. (لِلْمُخَاطَبِ) «نَبَّهْنِي: مرا هشیار کن» / «ای خدای من، مرا برای یاد خودت هشیار کن تا از گمراهی دور شوم»

بررسی سایر گزینه‌ها

- گزینه «۱»: «تُنَادِي: صدا بزنی»؛ «ي» فاعل است. (لِلْمُخَاطَبَةِ)
- گزینه «۲»: «لَمْ تَذُوقِي: بخشیدی»؛ «ي» فاعل است. (لِلْمُخَاطَبَةِ)
- گزینه «۳»: «اسْمَحِي: اجازه بده»؛ «ي» فاعل است. (لِلْمُخَاطَبَةِ)

۵- گزینه «۳» «عَدَّ» فعل ماضی است که فاعل آن هو مستتر است. چون پس از فعل، انجام‌دهنده کار اصلاً ذکر نشده است؛ «اسلام، دانشمندان را از تلاشگران در راه خدا شمرده است»

بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه (۱): «الطَّالِبَات» فاعل است.

گزینه (۲): «هذه» فاعل است.

گزینه (۴): «الأطفال» فاعل است.

۶- گزینه «۱» در فعل «يَأْكُلُ»، «الذَّبَّ» فاعل است و ضمیر «ه» مفعول. «می‌ترسم که گرگ او را بخورد در حالی که شما از او غافل هستید.»

بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه (۲): «رَبِّ» فاعل و «خَطَايَا» مفعول است.

گزینه (۳): «اللَّهِ» فاعل و «شَيْئاً» مفعول است.

گزینه (۴): ضمیر مستتر «هُوَ» برای فعل «يَسْتُرُّ» فاعل و «قُبْح» مفعول است.

۷- گزینه «۲» در این گزینه ضمیر «نا» جزء فعل و در حقیقت فاعل آن است. «بی‌گمان، ما صدای ندادهنده را شنیدیم که برای ایمان صدا می‌زد»؛ دقت کنید که فعل این جمله در صیغه متکلم مع‌الغیر است. اما در گزینه‌های دیگر «نا» مفعول است. چون صیغه فعلشان «للمخاطب» است.

بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه (۱): «پس ما را حفظ کن»

گزینه (۳): «ما را بمیران»

گزینه (۴): «به ما بده، به ما وعده دادی»

آشنایی با التحليل الصّرفي (تجزیه) و المحل الإعرابي (ترکیب)

هر کلمه در زبان عربی دارای دو نوع ویژگی است. یکی ویژگی آن کلمه بدون در نظر گرفتن این که در چه جمله‌ای آمده و چه جایگاهی در جمله دارد و دیگری ویژگی کلمه در جمله با توجه به جایگاه آن در برابر سایر کلمات.

برای وضوح بیشتر به این مثال دقت کنید. جناب «حمید» خان دارای دو دسته ویژگی است. یکی ویژگی‌های ثابت که هر جا هم برود (مَتّی اَوْن وَرَّ آب) تغییر نمی‌کند مثل اسم، قد، وزن، رنگ چشم، رنگ مو و ... و دوم هم ویژگی‌هایی که مُدام در حال تغییر است و بستگی به این دارد که حمیدخان در کنار کدام بزرگوار قرار بگیرد. مثلاً او در برابر پدر و مادرش نقش فرزند دارد اما در برابر برادر و خواهرش نقش برادر دارد، همین وجود با برکت در برابر پدرزن و مادرزن گرمای نقش داماد و در برابر پسردهایی نقش پسرعمه دارد. این ویژگی دوم همیشه متغیر است و بستگی دارد که جناب حمیدخان در کدام جایگاه باشد. کلمات نیز در عربی همین‌طورند، ویژگی‌های ثابت آن‌ها که هیچ ربطی به نقش و جایگاهشان ندارد، در فارسی «تجزیه» نامیده می‌شود و عرب‌ها به آن، «التحليل الصّرفي» می‌گویند اما ویژگی‌های متغیری که کاملاً وابسته به جایگاه و نقش ایشان است، در فارسی «ترکیب» نام دارد که عرب‌های گرانقدر به آن «المحلّ الإعرابي» یا «الإعراب» می‌گویند.

در کنکور عربی، پس از متن درک مطلب، سه تست تحت این عنوان پرسیده می‌شود که می‌بایست در مورد کلماتی که زیرشان خط کشیده شده است، نظر دهیم.

این کلمات همیشه ۲ فعل و ۱ اسم هستند.

در مورد هر کلمه ابتدا تحلیل صرفی آمده سپس یک خط جداکننده (/) و بعد از آن نقش یا محل اعرابی کلمه برای پاسخ صحیح باید کلمه را در متن بیابیم و بررسی کنیم.

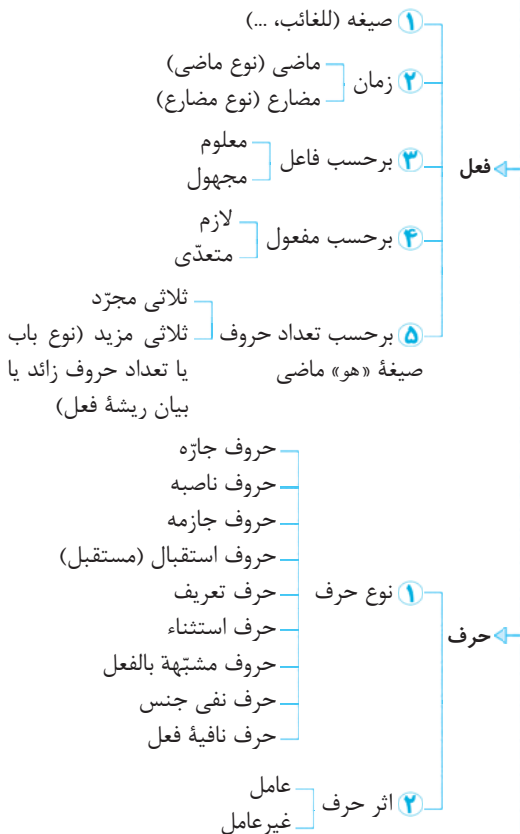
بهترین راه برای حل تست‌ها، یافتن متضاد در گزینه‌هاست مثلاً یک گزینه فعل را معلوم دانسته و دیگری مجهول یا تناقض در باب‌های مزید یا صیغه و ...!

در کلّ قواعد عربی کنکور با ویژگی‌های التحليل الصّرفي زیر، روبه‌رو هستیم. فقط نکتهٔ مهم این است که نخست نوع کلمه را شناسایی کنیم که اسم است یا فعل است یا حرف!

◀ جدول «التحليل الصّرفي»



ضمائم: الإعراب و التحليل الصّرفي



همچنین در کلّ قواعد عربی کنکور با نقش‌ها و محل‌های اعرابی زیر
روبه‌رو هستیم:

◀ جدول «المحلّ الإعرابی»



۱ کلمه‌های مضاف، موصوف، ذوالحال (مرجع حال) و مستثنی‌منه، محل إعرابی یا نقش اصلی نیستند، یعنی حتماً یکی از نقش‌های یازده‌گانه فوق را دارند.

۲ در دفترچه کنکور برخی نامگذاری‌ها در «التحليل الصرفي» و «المحلّ الإعرابي» ممکن است با آموخته‌های شما متفاوت باشد. به جدول زیر دقت کنید:

ترتیب	عنوان	نام در دفترچه کنکور
۱	ماضی	ماضٍ
۲	متعدّی	متعدّد
۳	ثلاثی مجرّد	مجرّد ثلاثی
۴	ثلاثی مزید	مزید ثلاثی
۵	صیغه به زبان فارسی مثل «دوم شخص جمع مذکر»	صیغه به زبان عربی «للمُخاطَبین»
۶	معلوم	مبني للمعلوم
۷	مجهول	مبني للمجهول
۸	جمع مکسر	جمع تکسیر
۹	معرفه به أل	مُعَرَّف بِالْأَل
۱۰	معرفه به عَلم	مَعْرِفَةٌ بِالْعَلَمِيَّةِ
۱۱	جمع مذکر سالم	جمع السّالم للمذکر
۱۲	جمع مؤنث سالم	جمع السّالم للمؤنث
۱۳	مبتدا	مبتدأ

ترتیب	عنوان	نام در دفترچهٔ کنکور
۱۴	مفعول	مفعول به
۱۵	مرجع حال	ذوالحال، صاحب‌الحال
۱۶	صفت	نَعْت
۱۷	موصوف	مَنْعُوت
۱۸	نفی جنس	نافیه للجنس، النَّاسِخَة

۳ منظور از عامل یا غیرعامل بودن در حروف (که البته بسیار کم در تست‌ها پرسیده شده) این است که آیا آن حرف، علامت و اعراب کلمه بعد از خودش را تغییر می‌دهد؟ در میان حروف، حرف جَزّ، حروف ناصبه، حروف جازمه و شرط، حروف مشبّهة بالفعل و حرف نفی جنس «لا» عامل‌اند و بقیه غیرعامل هستند.

۴ برای تشخیص این که یک اسم جمع، اسم فاعل یا اسم مفعول و ... است یا نه، ابتدا باید آن را مفرد کنیم و سپس قضاوت کنیم. مثلاً «عُلَمَاء» اسم فاعل است چون مفردش «عالم» بر وزن «فاعل»، اسم فاعل از ثلاثی مجرد است. دقت کنید که حرف‌ها به تنهایی هیچ محلّ‌ی اعرابی (نقش) ندارند!

۵ برای درک بیشتر این مبحث به مثال‌های زیر دقت کنید. هم می‌توان این دو ویژگی را جداگانه آورد و هم می‌توان آن‌ها را در یک خط و با یک جداکننده (/) آورد.

۶ گاهی در گزینه‌ها کلماتی به کار می‌رود که خودبه‌خود سبب حذف گزینه می‌شود. از جمله:

- فعل لازم / مجهول (چرا که فعل‌های مجهول همیشه متعدّی‌اند).
- مجهول / فاعل (چون فعل مجهول همیشه نائب فاعل دارد نه فاعل).
- معلوم / نائب فاعل (چون فعل معلوم همیشه فاعل دارد نه نائب فاعل).

ضمائم: الإعراب و التحليل الصرفي

■ افعال ناقصة / فاعل (چون این فعل‌ها، هیچ‌گاه فاعل نمی‌گیرند بلکه اسم افعال ناقصه دارند.)

۷ در مورد فعل‌های ثلاثی مزید علاوه بر تشخیص مجرد یا مزید بودن آن‌ها، موارد زیر هم در تست‌ها مطرح می‌شود:

■ اسم باب

■ مصدر فعل

■ تعداد حروف زائد

■ ریشه

■ (حروف اصلی) فعل

۸ در مورد اسم فاعل و اسم مفعول هم علاوه بر تشخیص ثلاثی مجرد یا ثلاثی مزید بودن اصل آن‌ها در موارد زیر سؤال می‌شود:

■ باب ثلاثی مزید

■ حروف اصلی

■ مصدر

۹ اگر اسمی صفت یا مضاف‌الیه یا حال یا مستثنی باشد، در تست گاهی از همزاد این‌ها یعنی موصوف، مضاف، صاحب حال و مستثنی‌منه سؤال می‌شود.

۱۵ در مورد فعل‌ها علاوه بر تشخیص فاعل گاهی مفعول را هم می‌خواهند.

و مثال ۱۴۴- «الْعَمَالُ الْمُجْتَهِدُونَ يَشْتَغِلُونَ فِي الْمَصْنَعِ»

التحليل الصرفي:

■ الْعَمَالُ: اسم، جمع مكسّر (تكسير) و مفردة «العامل»، مَعْرَفٌ بِأَل، اسم

الفاعل من المجزّء الثلاثي، مذكّر / مبتدأ و مرفوع

■ الْمُجْتَهِدُونَ: اسم، جمع السالم للمذكّر، مَعْرَفٌ بِأَل، اسم الفاعل من المزيد

الثلاثي باب إفعال / صِفَةٌ (نَعْت) و مرفوع بالتبعيّة

- يَسْتَعْلُونَ: فعلٌ مُضَارِعٌ، للغائبين (سوم شخص جمع مذكر)، مبني للمعلوم، لازم، مزيد ثلاثي من باب «افتعال» بزيادة حَرْفَيْنِ / حَبْرٍ و مرفوع
 - في: حرف، حَرْفٌ جَرٌّ، عامل
 - المُضَنَّعُ: اسم، المفرد، المذكر، اسم المكان، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ / مجرور بِحَرْفِ جَرٍّ
- ٢- «نَجَحَتِ الطَّالِبَاتُ فِي الإِمْتِحَانِ»
- نَجَحَتِ: فعل ماضٍ، للغائبة (سوم شخص مفرد مؤنث)، مبني للمعلوم، لازم، مجرد ثلاثي / فِعْلٌ
 - الطَّالِبَاتُ: اسم، جمع السَّالِمِ لِلْمُؤَنَّثِ، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ، إسم الفاعل مِنَ المجرَّد الثلاثي / فاعِلٌ و مرفوع
 - في: حرف، حَرْفٌ جَرٌّ، عامل
 - الإِمْتِحَانِ: اسم، المفرد، المذكر، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ، مصدر للمزيد الثلاثي بابِ إِفْتِعَالٍ / مجرورٌ بحرف جَرٍّ

نكته

گاهی به جای پرسش از یک فعل در تست، هر گزینه در مورد یک کلمه جمله پرسش می کند.

تمرین

عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

«هُنَاكَ طَائِرٌ يُسَمَّى بَرْنَائِكِلَ يَبْنِي عُشَّهُ فَوْقَ جِبَالٍ مُرْتَفِعَةٍ»

- ١) يُسَمَّى: فعل مضارع، مبني للمجهول، مُجَرَّدٌ ثَلَاثِيٌّ / فِعْلٌ و فاعله «بَرْنَائِكِل»
- ٢) يَبْنِي: فعل مضارع، مبني للمعلوم، مزيد ثلاثي من باب إفعال / فعل و فاعله «عُش»
- ٣) عُش: إسم، المفرد، المذكر / مفعول و منصوب
- ٤) مُرْتَفِعَةٍ: إسم الفاعل من المزيد الثلاثي، المذكر، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ / مُضَافٌ إِلَيْهِ و مجرور

پاسخ ۱ و بررسی سایر گزینه‌ها ۲۲

گزینه (۱): فعل «يُسَمِّي» ثلاثي مزيد از باب تَفْعِيل است. این فعل، مجهول است. یعنی در اصل «يُسَمِّي: می‌نامد» بوده است و چون مجهول است، فاعل ندارد بلکه نائب فاعل دارد. «بَرْنَاكِل» نائب فاعل آن است.

گزینه (۲): «يَبْنِي» فعل ثلاثي مجرد است. «بَنِي، يَبْنِي، بِنَاء»؛ این فعل، فاعل ضمير مستتر «هو» دارد و «عُشْ» لانه «مفعول آن است.

گزینه (۴): نقش «مُرْتَفِعَة» صفت برای موصوف «جبال» است. این اسم مذکر نیست و به وضوح مشخص است که «ة» مؤنث دارد.

پرسش‌های تستی (ریاضی ۹۸)

حينما نذهب إلى المناطق الحارة قد نشاهد مناظر جذابة من بعيد، و بعد أن نقرب منها، نرى أشجار النخل الجميلة. كما أن لهذه الشجرة أهمية مادية كبيرة، حيث يُشكّل نوع منها في بعض المناطق أساساً لمعيشة الكثير من السّكان، كما أنه غذاء رئيسي في بعض المناطق الصحراوية، و بعض أثمارها تُجفّف و تُرسل إلى مناطق أخرى!

للنخل أنواع مختلفة، حيث يوجد حوالي ۱۵۰۰ نوع يختلف مع بعضها؛ فمن أنواعه نخيل التمر الذي يُعتبر (= يُعدّ) من أهمها، و نخيل الزيت الذي يُستعمل في صنع الصابون و موادّ التجميل!

يبلغ ارتفاع النخل ۲۷ مترًا و جذعه خشن جدًّا، لأنّه عبارة عن بقايا غصن النخل الذي يسقط أو يُقطع عند نموّ الشجرة الكثير!

عين الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي.

١- «نُشاهد»:

- ١) مزيد ثلاثي (حروفه الأصلية: ن ش هـ) - معلوم / مع فاعله جملةً فعليةً
- ٢) مضارع - للمتكلّم مع الغير - مزيد ثلاثي / فعل و مع فاعله جملةً فعليةً
- ٣) فعل مضارع - مزيد ثلاثي (من وزن «فَاعِلٌ») - مجهول / فعلٌ و مفعوله «مناظر»
- ٤) للمتكلّم وحده - مزيد ثلاثي (مصدره: مشاهدة، من وزن مفاعلة) / مع فاعله جملةً فعليةً

٢- «تُرسل»:

- ١) فعل مضارع - للغائبة - معلوم / فعلٌ و جملةً فعليةً
- ٢) للمخاطب - مزيد ثلاثي (مصدره على وزن إفعال) / فعل و مع فاعله جملةً فعليةً
- ٣) للغائبة - مزيد ثلاثي (ماضيّه: «أرسل» على وزن أفعل) - مجهول / فعل و الجملة فعليةً
- ٤) مضارع - للمخاطب - مزيد ثلاثي (حروفه الأصلية: ر س ل) - مجهول / فعل و فاعله محذوف، و الجملة فعليةً

٣- «ارتفاع»:

- ١) مفرد مذكّر - مصدر (من وزن انفعال) / فاعل لفعل «يبلغ»
- ٢) اسم - مفرد مذكّر - مصدر (من وزن افتعال) / فاعل لفعل «يبلغ»
- ٣) مفرد مذكّر - فعله «ارتفع» على وزن «انفعل» / مضاف، و المضاف إليه «النخل»
- ٤) اسم - جمع مكسّر أو تكسير - حروفه الأصلية «ر ف ع» / مضاف و المضاف إليه «النخل»

پاسخ پرسش های تستی

- ۱- گزینۀ «۲» نَشَاهِدُ: فعل مضارع، للمتکلم مع الغير، مزيد ثلاثي من باب مُفَاعَلَةٌ، مصدره: مُشَاهَدَةٌ، حروفه الأصلية: (ش، هـ، د)، معلوم / فعل و فاعله «هو مستتر» و مفعوله: «مناظر»
- ۲- گزینۀ «۳» تُرْسَلُ: مضارع، للغائبه، ثلاثي مزيد من باب إفعال، مصدره: إرسال، حروفه الأصلية: (ر، س، ل)، مجهول / فعل و نائب فاعله ضمير مستتر هي
- ۳- گزینۀ «۲» إِرْتِفَاعٌ: اسم، مفرد، مذکر، مصدر ثلاثي مزيد باب إفتعال، حروفه الأصلية (ر، ف، ع) / فاعل لفعل «يبلغ»

پرسش های تستی (خارج ۹۸)

يَعِيشُ الْغُرَابُ فِي تَجْمَعَاتٍ كَبِيرَةٍ وَ تَجْتَمِعُ أَفْرَادُهَا عَلَى عِدَدٍ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمُتَقَارِبَةِ لِدَفْعِ الْإِسَاءَةِ وَ التَّعَدِّيِّ عَلَى مَمْلَكَتِهَا لِأَنَّهَا طَيُورٌ ضَعِيفَةٌ فِي مَقَابِلَةِ الْأَعْدَاءِ! إِذَا مَرَضَ أَحَدُهَا وَ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى الطَّيْرَانِ، تُرَاقِبُهُ بَقِيَّةُ الْغُرَابِ (ج غراب) فبَعْدَ مَوْتِهِ تَدْفِنُهُ خَوْفًا مِنْ اِتِّسَارِ مَرَضِهِ! وَ تَعَلَّمَ الْإِنْسَانُ دَفْنَ الْأَمْوَاتِ مِنَ الْغُرَابِ كَمَا ذُكِرَتْ قِصَّتُهَا الْمَشْهُورَةَ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ!

يَجْمَعُ الْغُرَابُ قِطَعَاتِ الْخُبْزِ ثُمَّ يَرْمِيهَا فِي النَّهْرِ، وَ عِنْدَمَا تَتَجَمَّعُ الْأَسْمَاكُ حَوْلِهَا يَصِيدُهَا بِمَنْقَارِهِ، وَ هَكَذَا يَظْهَرُ لَنَا أَنَّ الْغُرَابَ طَائِرٌ ذَكِيٌّ!

● عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ.

۴- «ذُكِرَتْ»:

- ۱) مجرد ثلاثي (حروفه الأصلية: ذ ك ر) / فاعله «قصة» و الجملة فعلية
- ۲) للمخاطبة - مجرد ثلاثي - مجهول / فعل و مع نائب فاعله جملة فعلية
- ۳) فعل ماضٍ - للمخاطب - مجهول / مع فاعله المحذوف، جملة فعلية
- ۴) فعل ماضٍ - للغائبة / فعل و نائب فاعله محذوف، و الجملة فعلية

٥- «تَجَمَّعُ»:

- ١) مضارع - للمخاطب - معلوم / فاعله «الأسماك» و الجملة فعلية
- ٢) مزيد ثلاثي - للمخاطبة - معلوم / فاعله «الأسماك» و الجملة فعلية
- ٣) للغائبة - مزيد ثلاثي (مصدره: تَجَمَّع) / فعل و فاعله «أسماك» و الجملة فعلية
- ٤) فعل مضارع - للغائبة - مزيد ثلاثي (مصدره: تجميع) / فعل و مع فاعله جملة فعلية

٦- «المشهوره»:

- ١) مفرد مؤنث - اسم مفعول (مصدره: اشتهار) - معرّف بأل / مضاف إليه للمضاف ضمير «ها»
- ٢) اسم - مفرد مؤنث - اسم مفعول (حروفه الأصلية: ش ه ر) / صفة للموصوف «قصة»
- ٣) مفرد مؤنث - اسم مفعول (مصدره: شهرة) - معرّف بأل / صفة للموصوف ضمير «ها»
- ٤) اسم - مفرد مؤنث - اسم مكان (من فعل «شهر») / صفة للموصوف «قصة»

پاسخ پرسش های تستی

- ٤- گزینه «٤» دُكِرَتْ: فعل ماضى، للغائبة، مجرد ثلاثى، مجهول، حروفه الأصلية (ذ، ك، ر) / فعل و نائب فاعله «قصة»
- ٥- گزینه «٣» تَتَجَمَّعُ: فعل مضارع، للغائبة، مزيد ثلاثى من باب تَفَعَّلَ، من مصدر «تَجَمَّع»، حروفه الأصلية (ج، م، ع)، معلوم / فعل و فاعله «الأسماك»
- ٦- گزینه «٢» المشهوره: اسم، مفرد، مؤنث، معرّف بأل، اسم مفعول من المجرد الثلاثى من مصدر «شهرة» حروفه الأصلية «ش، ه، ر» / صفة للموصوف «قصة»